

حقوق اقلیت‌های قومی – مذهبی در اسناد بین‌المللی حقوق بشر

ملیحه نیک‌روش رستمی^۱

چکیده

اعلامیه‌ها و اسناد بین‌المللی حقوق بشر همواره بر ضرورت حقوق یکسان افراد تأکید داشته‌اند و اصل برابری مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر، گواهی بر اهمیت رفع تبعیض از جامعه انسانی و تأکید بر این موضوع است که اقلیت‌های قومی، مذهبی و زبانی باید با توجه به اصولی نظیر عزت، آزادی، برابری و حق مشارکت در تعیین سرنوشت، به حقوق انسانی خود دست یابند و هرگونه تبعیض نسبت به آن‌ها مردود است. مجموعه اسناد حقوق بشری بعد از جنگ جهانی دوم به موضوع اقلیت‌ها توجه داشته و تمام حقوق شهروندان عادی را برای اقلیت‌ها نیز مشروع می‌دانند.

با توجه به اهمیت حقوق اقلیت‌ها در نظام‌های سیاسی چندفرهنگی، این مقاله در پی پاسخ به این سؤال است که اقلیت‌های قومی و مذهبی براساس اسناد بین‌المللی حقوق بشر دارای چه حقوقی هستند؟ در پژوهش حاضر، نگارنده با استفاده از روش توصیفی و استناد به اسناد حقوق بشری، بیان می‌دارد که اقلیت‌های قومی و مذهبی، با دارا بودن حقوق چندوجهی، می‌توانند موجودیت، هویت، ارتباط، مشارکت،

۱. دانش‌آموخته کارشناسی‌ارشد علوم سیاسی دانشگاه مازندران. malihenikravesh@gmail.com

پژوهش‌نامه حقوق بشری

فرهنگ و ارزش‌های خود را حفظ کنند و دولت‌ها حق تعرض به آن‌ها را ندارند و همان‌گونه که اصل مشارکت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی برای همگان مورد تأکید است، اقلیت‌ها نیز می‌توانند در عرصه‌های مختلف اجتماع به کنش‌گری بپردازند و حق تعیین سرنوشت به آن‌ها اجازه فعالیت سیاسی و حتی تأسیس حزب و انجمن را هم می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: اقلیت‌های قومی، حقوق بشر، تبعیض، اقلیت‌های مذهبی، مشارکت سیاسی، آزادی عقیده، برابری با اکثریت.



مقدمه

امروزه کمتر کشوری یافت می‌شود که دارای گروه‌های اقلیت نباشد. در اغلب کشورهای کنونی، گروه‌های اقلیتی وجود دارند که ویژگی‌ها و خصایص قومی، مذهبی یا زبانی، آن‌ها را از دیگر بخش‌های جمعیتی متمایز می‌سازد. (سلیمی و همکار، ۱۳۹۷: ۲۰۴)

حقوق اقلیت‌ها همواره از موضوع‌های مهم جامعه بین‌الملل و دغدغه‌ای مهم در گفتمان عدالت حقوقی بوده و فراز و فرودهای تاریخ حاکی است که حمایت از اقلیت‌ها برای تأمین ثبات، صلح و امنیت بین‌المللی امری ضروری است و اعمال تبعیض نسبت به افراد این گروه‌ها، همواره ثبات داخلی و صلح و امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی را با خطرات جدی و جبران‌ناپذیری روبه‌رو ساخته است. (فضائلی و کرمی، ۱۳۹۵: ۱۲۶)

به‌عنوان یک قاعده عام می‌توان گفت که ثبات و امنیت کشور با حفظ حقوق اقلیت‌ها بهتر تأمین می‌شود. اگر دولت، حقوق اقلیت‌ها را رعایت کند، امید است که گروه اقلیت نیز وفاداری خود را به دولت نشان دهد و در نتیجه، تمامیت ارضی کشور حفظ شود؛ زیرا ثبات و رفاه عمومی کشور به نفع اقلیت‌ها نیز خواهد بود. (ابراهیمیان، ۱۳۹۱: ۲۴۴)

در حقوق بین‌الملل کنونی، حمایت از اقلیت‌ها ذیل نظام بزرگ حمایت از حقوق بشر قرار می‌گیرد. در این رابطه، ماده نخست کنوانسیون چارچوب حمایت از اقلیت‌های ملی شورای اروپا به صراحت به این واقعیت اذعان دارد که: «حمایت از اقلیت‌های ملی و حقوق و آزادی‌های اشخاص متعلق به این اقلیت‌ها، بخش جدایی‌ناپذیر حمایت بین‌المللی از حقوق بشر است و بر این اساس، در چارچوب همکاری‌های بین‌المللی قرار می‌گیرد.» (فضائلی و کرمی، ۱۳۹۶: ۱۵)

تغییرات عمده‌ای که پس از جنگ جهانی اول و دوم در مرز برخی کشورها رخ داد، باعث اختلاط نژادی، مذهبی و قومی ملت‌ها شد و موضوع اقلیت‌ها و رعایت



حقوق آن‌ها را بیش از پیش آشکار ساخت و بر این اساس، نظام بین‌الملل حمایت از اقلیت‌ها به وجود آمد. بدین صورت که در معاهدات میان دولت‌ها، مقرر شد دولت‌هایی که دارای گروه‌های اقلیتی هستند، نسبت به آن‌ها تبعیض روا ندارند و حق استفاده از زبان و مذهب را به آنان بدهند.

بعد از جنگ جهانی دوم و تشکیل سازمان ملل متحد، با این که در اسناد بین‌المللی حقوق بشر به صراحت و به‌طور خاص، سندی به اقلیت‌ها اختصاص داده نشد، ولی با درج اصل عدم تبعیض در منشور ملل متحد، اعلامیه جهانی حقوق بشر و دیگر اسناد حقوق بشری، در واقع اقلیت‌های قومی، نژادی، دینی و زبانی تحت حمایت حقوق بین‌الملل قرار گرفتند و امروزه کمتر کشوری یافت می‌شود که آشکارا حقوق اقلیت‌ها را نادیده بگیرد یا منکر آن شود. به هر حال، در حقوق بین‌الملل با وجود حمایت عام اسناد حقوق بشری از اقلیت‌ها، تنها سند بین‌المللی حمایت‌کننده از آنان به‌طور خاص، «اعلامیه حقوق افراد متعلق به اقلیت‌های ملی، قومی، مذهبی و زبانی» است که طبق ماده اول این اعلامیه، کشورها از وجود هویت ملی یا قومی، فرهنگی، مذهبی و زبانی اقلیت‌ها در سرزمین خود حمایت کرده و ایجاد شرایط خاص را به‌منظور اعتلای این هویت، تسهیل می‌کنند.» (منصوری، ۱۳۹۲)

بنابراین، مسئله قومیت و مذهب به‌عنوان دغدغه حقوق بشری حائز اهمیت است و از آن‌جا که اقلیت‌های قومی و مذهبی در اسناد بین‌المللی حقوق بشر مورد تأکید قرار گرفته‌اند، در این نوشتار تلاش می‌شود این سؤال مورد بررسی قرار گیرد که: «اقلیت‌های قومی و مذهبی در اسناد بین‌المللی حقوق بشر، از چه حقوقی برخوردارند؟»



مفهوم‌شناسی

۱. اقلیت

دو مفهوم «اقلیت» و «اکثریت» در حقوق بین‌الملل امر جدیدی هستند (United Nations, 2012: 2) که توافق مشترکی برای تعریف آن در اسناد بین‌المللی وجود ندارد و این

کلمه در جوامع مختلف، به صورت‌های گوناگون تفسیر می‌شود. (Petricusic, 2005) فرانسیسکو کاپوتورتی در این باره می‌گوید: «اقلیت گروهی است که در حاکمیت شرکت نداشته و از نظر تعداد نیز کم‌تر از بقیه است و اعضای آن در حالی که تبعه آن کشور هستند، با سایر جمعیت کشور، ویژگی‌های متفاوت قومی، مذهبی یا زبانی دارند و در راستای حفظ فرهنگ و آداب و رسوم یا زبان خود، دارای نوعی حس وحدت منافع و همبستگی هستند.» (سیف‌الدینی، ۱۳۹۳: ۱)

اقلیت‌ها دارای مشخصه و ویژگی‌های قومی، ملی، مذهبی یا زبانی خاصی هستند که با گروه‌های داخل حاکمیت متفاوت است. در حقیقت برای این که جمعیتی به‌عنوان یک اقلیت شناخته شود، باید دارای این مشخصه‌ها باشد:

الف) از لحاظ تعداد کم باشند. اقلیت‌ها قاعدتاً باید از لحاظ تعداد، از سایر اقشار جمعیت که حکومت را در دست دارند، کمتر باشند.

ب) حاکمیت را در دست نداشته باشند. گروه اقلیت، گروهی است که قدرت حکومت را در دست ندارد. گروهی که از لحاظ تعداد، کمتر از گروه‌های دیگر است و حاکمیت را در دست دارد، طبعاً مصداق اقلیتی که باید مورد حمایت قرار گیرد، نخواهد بود.

ج) تفاوت نژادی، ملی، فرهنگی، زبانی یا تفاوت مذهبی داشته باشند. اقلیت‌ها گروه‌هایی هستند که از لحاظ نژادی، زبانی یا مذهبی با دیگران تفاوت دارند. البته اقلیت‌ها اتباع یک کشور محسوب می‌شوند که از لحاظ نژاد، زبان یا مذهب با

دیگران تفاوت دارند. (زارعی و همکاران، ۱۳۹۲: ۵۱)



۱-۱. اقلیت مذهبی

از لحاظ تاریخی، اقلیت‌های مذهبی عامل اصلی نهادینه شدن چارچوب بین‌المللی حقوق اقلیت‌ها بودند که مدت‌هاست از حمایت از آنان جلوگیری می‌شود. (Ghana, 2012: 57)

اقلیت مذهبی، «گروهی از افراد هستند که با جمعیتی کمتر از بقیه مردم کشور یا ایالتی از آن کشور، دارای مذهب و اعتقاداتی متفاوت با سایر اعضای جامعه بوده و برای حفظ آن خصایص و ویژگی‌ها، احساس همبستگی دارند؛ اما در عرصه‌های مختلف، به‌ویژه در اداره جامعه، به‌طور مؤثر و با فرصت یکسان همانند اکثریت، مشارکت و حاکمیت ندارند. (فضائلی و همکاران، ۱۳۹۶، ۱۲۰)

در واقع اقلیت‌های مذهبی، گروه‌هایی هستند که مذهب آن‌ها به‌عنوان مذهب رسمی کشور شناخته نشده یا اکثریت مردم به آن نپیوسته‌اند. به‌صورت منطقی، یک اقلیت مذهبی بدون وجود افرادی که به شعایر مذهبی خود عمل کنند، موجودیت نخواهد داشت. (زمانی، ۱۳۸۴: ۱۵۹) قوانین بین‌المللی بهترین ضامن رفتار با اقلیت‌های مذهبی است تا نیازهای گوناگون همه اقلیت‌های دینی تأمین شود. (Gilbert, 1997: 97)

۱-۲. اقلیت قومی یا نژادی

اقلیت به معنای «گروهی از یک جامعه سیاسی یا دولت - کشور است که معمولاً از نظر تعداد، از سایر اعضای جامعه کمتر بوده و به سبب عواملی چون قومیت، مذهب، زبان، فرهنگ و...، دارای هویتی متمایز از سایر اعضای جامعه هستند. این افراد در عرصه‌های مختلف به‌ویژه اداره جامعه، به‌طور مؤثر و با فرصت یکسان مشارکت و حاکمیت ندارند و ممکن است مورد تبعیض، تحقیر و ستم قرار گیرند.»

گروه قومی نیز یک جمعیت انسانی مشخص با پیشینه اجدادی مشترک، خاطرات و عناصر فرهنگی مشترک، پیوند با یک سرزمین تاریخی یا وطن و میزانی از حس منافع و مسئولیت است. لاجرم، اقلیت قومی، یک جمعیت انسانی متعلق به یک گروه



قومی در یک دولت - کشور است که معمولاً از نظر تعداد، کمتر از سایر اعضای جامعه هستند و به سبب دارا بودن شاخص‌های قومیتی، هویتی متمایز از سایر اعضای جامعه دارند و در عرصه‌های مختلف به‌ویژه اداره جامعه، به‌طور مؤثر و با فرصت یکسان، مشارکت و حاکمیت ندارند. (دشتی، ۱۳۹۰: ۱۴۹)

تفاوت میان اقلیت‌های قومی و نژادی روشن نیست و پیچیدگی‌های بسیاری دارد. برخی تلاش کرده‌اند بین این دو مفهوم، بر مبنای محدود کردن اقلیت‌های نژادی به تجمع افراد با ویژگی‌های جسمی که از راه ژنتیک منتقل می‌شود، تفاوت قائل شوند. در حالی که اقلیت‌های قومی، معرف ویژگی‌های نژادی است که با پیوندهای قومی، زبانی، فرهنگی و مذهبی مرتبط و مشخص شده‌اند. (آلبوغبیش، ۱۳۸۶: ۲۳)

اسناد بین‌المللی حقوق بشر و حقوق اقلیت‌ها

از جمله مهم‌ترین اسناد بین‌المللی حقوق بشر و حقوق اقلیت‌ها، منشور ملل متحد (۱۹۴۵) است که شالوده نظام حمایت از اقلیت‌ها را بر «عدم تبعیض» بنا نهاده است. با وجود این، به‌نظر برخی، عدم تصریح حقوق اقلیت‌ها در منشور، تا اندازه‌ای حمایت از اقلیت‌ها را تضعیف کرده و مانع رفع نیازهای اساسی آنان و حفظ منافعشان از طریق قاعده «عدم تبعیض» شده است. (میرمحمدی، ۱۳۸۵)

با تأسیس سازمان ملل متحد، منشور ملل متحد تنها دو ماده را به بحث اقلیت‌ها اختصاص داد که هر دو بسیار کلی هستند. بند ۳ ماده ۱ و ۵۵ منشور، به این موضوع اشاره دارد که باتوجه به ابهام و کلی‌گویی بند ۳ ماده ۱، مفاد آن در بند ۱ ماده ۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ تکرار شده است. (خلف‌رضایی و همکاران، ۱۳۹۶: ۶۷۲)

اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ در ماده اول خود، سه اصل آزادی، برابری و برادری (صفایی، ۱۳۷۰: ۴) را مطرح کرده، اما وجود اصل برابری و عدم تبعیض در این



اعلامیه را نمی‌توان نشانه بذل توجه کافی به حقوق اقلیت‌ها دانست. (میرمحمدی، ۱۳۸۵)

عموم متخصصان از کنوانسیون پیش‌گیری و مجازات جنایت نسل‌کشی (ژنوسید) در سال ۱۹۴۸ به‌عنوان اولین کنوانسیون الزام‌آور در رابطه با حقوق اقلیت‌ها نام برده‌اند. کمیته حقوق بشر نیز ممنوعیت ارتکاب ژنوسید در حقوق بین‌الملل را از جمله اقداماتی می‌داند که در راستای حمایت از اقلیت‌ها تدوین شده‌است. طبق ماده دوم این کنوانسیون، ژنوسید به اعمالی گفته می‌شود که با قصد نابودی تمام یا بخشی از یک گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی انجام شود. (عزیزی، ۱۳۸۶: ۱۳۲)

هم‌چنین، تصویب کنوانسیون منع و مجازات جنایت ژنوسید (۱۹۴۸)، از حق موجودیت اقلیت‌ها، حمایت کیفری می‌کند. (لسانی، ۱۳۸۲: ۱۵۷) کنوانسیون بین‌المللی حذف کلیه اشکال تبعیض نژادی (۱۹۴۸) نیز تلاشی برای محکوم ساختن تبعیض نژادی با هدف در پیش گرفتن تدابیر ملی در راستای پیشرفت گروه‌های نژادی و قومی است. میثاق بین‌المللی حقوق مدنی - سیاسی (۱۹۶۶) نیز در ماده ۲۶ مقرر می‌دارد: «کلیه اشخاص در مقابل قانون مساوی هستند و بدون هیچ‌گونه تبعیض، استحقاق حمایت بالسویه را دارند. قانون باید هرگونه تبعیض را منع و برای کلیه اشخاص، حمایت مؤثر و مساوی را علیه هر نوع تبعیض به‌خصوص از نظر نژاد، زبان، مذهب، عقاید سیاسی و عقاید دیگر، اصل و منشاء اصلی یا اجتماعی، مکتب، نسبت یا هر وضعیت دیگر تضمین کند.» (میرمحمدی، ۱۳۸۵)

اعلامیه حقوق اشخاص متعلق به اقلیت‌های ملی، قومی، دینی یا زبانی (۱۹۹۲)، مهم‌ترین گام در شناسایی حقوق اقلیت‌ها و حق هویت آنان است و به توسعه نظام حمایت از اقلیت‌ها می‌پردازد. (میرمحمدی، ۱۳۸۵)

اعلامیه رفع تمامی اشکال نابردباری و تبعیض مبتنی بر مذهب و عقیده (۱۹۸۱) نیز آزادی انجام مناسک مذهبی و عدم تبعیض برپایه مذهب یا عقیده را مورد تأکید



قرار می‌دهد. بند ۱ ماده اول اعلامیه، حق آزادی انتخاب دین و عقیده و هم‌چنین ابراز علنی یا خصوصی مناسک را اعلام داشته و بند ۲ همین ماده، اعمال فشار بر این آزادی را منع می‌کند. بند سوم ماده فوق نیز اعمال محدودیت در ابراز دین یا عقیده را صرفاً برای حمایت از نظم، امنیت و بهداشت عمومی و حقوق بنیادی و آزادی دیگران و فقط در چارچوب قانون ممکن می‌داند. (شمسی، ۱۳۹۰: ۱۵۵)

کنوانسیون حقوق کودک (۱۹۸۹) نیز در ماده ۳۰ خود به کودکان اقلیت‌های قومی و مذهبی توجه کرده و اعلام می‌دارد که چنین اشخاصی باید حق برخورداری از فرهنگ، تعالیم و اعمال مذهبی و زبان خود را داشته باشند. (پورقهرمانی، ۱۳۸۳)

حقوق اقلیت‌های قومی - مذهبی

۱. حقوق مشترک

۱-۱. حق موجودیت (منع ژنوسید)

تأمین حق موجودیت در رأس حقوق اقلیت‌ها قرار دارد. حوادث وحشتناک سال‌های ۴۵-۱۹۳۹، یعنی کشتار عام یهودیان در آلمان و اولویت حفظ حیات انسان‌ها باعث شد که این حق مورد توجه قرار گرفته و کنوانسیون ممنوعیت نسل‌کشی به امضا برسد و از این رهگذر، تضمینی برای حفظ موجودیت جمعی و فیزیکی اقلیت‌ها به‌دست آید. بی‌تردید حق حیات، حقی اساسی است که حقوق متعدد دیگری نیز از آن ناشی می‌شود و در واقع یکی از اساسی‌ترین مصادیق حقوق بشر است، زیرا سایر حقوق به وجود انسان بستگی دارد. کنوانسیون منع و مجازات جنایت ژنوسید مصوب ۹ دسامبر ۱۹۴۸ که یک روز قبل از تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر در مجمع عمومی سازمان ملل متحد به تصویب رسید، خود گواه این مطلب است که علت اصلی تصویب و نیز کارکرد اولیه کنوانسیون مزبور، حمایت از حق موجودیت گروه‌های اقلیت است. (حجتی، ۱۳۹۱: ۲۹)



هم‌چنین، ماده یک قطع‌نامه ۴۷/۱۳۵ مجمع عمومی در ۱۸ دسامبر ۱۹۹۲، خاطر نشان می‌سازد که دولت‌ها متعهد به حمایت از موجودیت و هویت اقلیت‌های داخل سرزمینشان و اتخاذ قوانین و اقدامات مناسب برای نیل به این هدف هستند. (زمانی، ۱۳۸۴: ۱۶۱)

۲-۱. حق حفظ هویت

اساسی‌ترین حق اقلیت‌ها را باید در شناسایی «حق هویت» آنان دانست. از این رو اعلامیه ۹ ماده‌ای ۱۸ دسامبر ۱۹۹۲ مجمع عمومی، حمایت از موجودیت و هویت اقلیت‌ها را از وظایف دولت‌ها دانسته است. بند اول ماده ۱ این اعلامیه مقرر می‌دارد: «دولت‌ها باید از موجودیت و هویت اقلیت‌های ملی، نژادی، فرهنگی، مذهبی و زبانی واقع در قلمرو خود حمایت کرده و شرایط و وضعیت مربوط به ارتقاء و رشد هویت آن‌ها را تشویق کنند.» (علی‌مردانی، ۱۳۸۵: ۱۲)

بدیهی است در سایه حمایت از موجودیت و هویت اقلیت است که اعضای آن می‌توانند از امکانات لازم برای رشد و ارتقاء خود و سازگاری با جامعه در حال تحول برخوردار باشند. (زارعی و همکاران، ۱۳۹۲: ۵۶)

سه حق مندرج در ماده ۲۷ میثاق حقوق مدنی - سیاسی نیز که در بند نخست ماده ۲ منعکس شده، عبارت است از این‌که: «اشخاص متعلق به اقلیت‌های نژادی، قومی و دینی حق دارند به‌طور خصوصی یا عمومی، آزادانه و بدون مداخله یا اعمال هر نوع تبعیض، از فرهنگ خاص خود بهره‌مند باشند، به دین خود معترف بوده و بدان عمل و از زبان خاص خود استفاده کنند.»

اعلامیه کنفرانس جهانی حقوق بشر ضمن تأکید بر حقوق یاد شده برای اقلیت‌ها، در قسمت ۱۰ بند پ مقرر می‌دارد: «افراد متعلق به اقلیت‌ها حق دارند به‌طور آزادانه و بدون دخالت یا هرگونه تبعیض، از فرهنگ خود برخوردار شوند و شعایر مذهبی خویش را انجام دهند و در منزل و محافل عمومی به زبان خود تکلم کنند.» (آلبوغییش، ۱۳۸۶: ۸۴)



۱-۳. حق مصونیت از تبعیض و برابری با اکثریت

حق برابری با بقیه افراد کشور، ابتدایی‌ترین حق اقلیت‌ها است. با توجه به این که اقلیت‌ها نیز همانند تمام افراد، تابعیت کشور خود را دارند و هم‌وطن آنان محسوب می‌شوند؛ لذا داشتن چنین حقی در حالی که سالیان سال از آنان سلب شده بود، برای آن‌ها بدیهی به نظر می‌رسد. با وجود این که چنین حقی در میثاق جامعه ملل به تنهایی برای اقلیت‌های مذهبی در نظر گرفته شده بود، اما منشور ملل متحد در بند ۳ ماده یک و بند (ج) ماده ۵۵، این حقوق را برای تمام اقلیت‌های نژادی، زبانی و مذهبی نیز معتبر می‌شناسد. (لسانی، ۱۳۸۲: ۱۳۶)

مطابق بند ۳ ماده یک و بند (ج) ماده ۵۵، کلیه دولت‌های عضو سازمان ملل، متعهد به «رعایت حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همه، بدون تبعیض از حیث نژاد، جنس، زبان یا دین» خواهند بود. بر این اساس، اقلیت‌های موجود در سرزمین دولت‌های عضو، در پرتو اصل عدم تبعیض و برابری افراد بشر با یکدیگر، تحت حمایت حقوق بین‌الملل قرار دارند. (میرمحمدی، ۱۳۸۵)

بند ۹ اصل سوم، حاکی از «رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمام زمینه‌های مادی و معنوی» است. اولین نشانه‌های محکومیت تبعیض از دیدگاه اعلامیه جهانی حقوق بشر، در صدر اعلامیه و در ماده ۱ آن بیان شده که اعلام می‌دارد: «تمام افراد بشر آزاد به دنیا می‌آیند و از لحاظ حیثیت و حقوق با هم برابرند.» هم‌چنین طبق بند یک ماده ۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر: «هرکس می‌تواند بدون هیچ‌گونه تمایز به‌خصوص از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان و...، از تمام حقوق و آزادی‌هایی که در اعلامیه حاضر ذکر شده، بهره‌مند شود.» بند ۲ این ماده نیز مقرر می‌دارد: «هیچ تبعیضی به عمل نخواهد آمد که مبتنی بر وضع سیاسی، اداری، قضایی یا بین‌المللی کشور یا سرزمینی باشد که شخص بدان تعلق دارد، خواه این کشور مستقل، تحت قیمومیت یا غیر خودمختار بوده یا این که حاکمیتش به شکل محدود باشد.»



این مطلب مهم، یعنی مصونیت از هرگونه تبعیض، مبنای بین‌المللی دیگری نیز دارد؛ زیرا باتوجه به شیوه نگارش ماده ۱۴ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، اعمال تبعیض تحت هر عنوانی ممنوع تلقی شده است. در این ماده آمده: «انتفاع از حقوق و آزادی‌های مقرر در معاهده جاری، باید بدون هیچ‌گونه تبعیض از حیث جنسیت، نژاد، رنگ، زبان، مذهب، بینش سیاسی یا هرگونه عقیده دیگر، اصالت ملی یا اجتماعی، تعلق به گروه اقلیت، اقبال، تولد یا هرگونه موقعیت دیگری تضمین شود.» (آریامش، ۱۳۹۰: ۱۹، ۹۰)

در مقدمه اعلامیه حقوق اشخاص متعلق به اقلیت‌های ملی، قومی، دینی یا زبانی، بر «احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همه بدون تبعیض براساس نژاد، جنس، زبان یا مذهب و برابری حقوق مردان و زنان و ملت‌ها، اعم از بزرگ و کوچک» تأکید مجدد شده و براساس بند اول ماده ۴ این اعلامیه، «دولت‌ها موظفند اقدامات لازم را در راستای تأمین کامل و مؤثر تمامی حقوق بشر و آزادی‌های اساسی اشخاص متعلق به اقلیت‌ها، بدون تبعیض و در شرایط کاملاً مساوی در برابر قانون اتخاذ کنند.» (میرحمادی، ۱۳۸۵)

در ماده ۲۷ میثاق حقوق مدنی - سیاسی نیز ضمن اشاره صریح به واژه اقلیت، آمده است: «در کشورهایی که اقلیت‌های نژادی، زبانی و مذهبی وجود دارند، اشخاصی که متعلق به این اقلیت‌ها هستند، نباید حقوقشان در برابر سایر افراد جامعه انکار شود.»

در ماده ۴ کنوانسیون اروپایی حمایت از اقلیت‌های ملی (۱۹۹۵) نیز ذکر شده که این افراد حق دارند در برابر قانون با بقیه برابر باشند و قانون به نحو برابر از آن‌ها حمایت کند. ضمن این‌که این برابری باید در کلیه زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی موجود باشد. علاوه بر آن، ماده ۳ کنفرانس جهانی «مبارزه با نژادپرستی، تبعیض نژادی، بیگانه ستیزی و اعمال ناشایسته» نیز دولت‌ها را به اعمال



تدابیر مناسب برای دسترسی همگانی به امکانات پزشکی، تحصیلات و رسانه‌های گروهی تشویق می‌کند. این کنوانسیون در ماده ۱۵ از دولت‌ها می‌خواهد تضمین کنند که تمامی افراد بتوانند در کلیه جوانب اجتماعی به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی براساس اصل تساوی، عدم تبعیض و مشارکت کامل، دست یابند. (لسانی، ۱۳۸۲: ۱۳۷)

بند ۱ ماده ۲ میثاق حقوق مدنی - سیاسی نیز دولت‌های عضو میثاق را متعهد کرده که حقوق مندرج در میثاق را در حق تمام افراد ساکن در کشور خود، بدون هیچ‌گونه تبعیض از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیده سیاسی، اصالت ملی یا اجتماعی، بخت و اقبال، تابعیت یا هرگونه موقعیت دیگری، به رسمیت شناخته و برای تضمین آن‌ها تلاش کنند. (آریامنش، ۱۳۹۰: ۱۴)

مقدمه اعلامیه جهانی حقوق بشر هم به کرامت انسانی و حقوق متساوی برای کلیه آحاد بشر به‌عنوان پایه‌های اساسی آزادی، عدالت و صلح در جهان اشاره دارد. (نادرپور و مقصودی، ۱۳۹۲: ۱۲۸) ماده ۶ این کنوانسیون اشاره می‌دارد: «دولت‌های عضو، روحیه تساهل و گفت‌وگوی بین فرهنگی را تشویق و اقدامات کارآمدی را به‌منظور ارتقاء احترام دوسویه و تفاهم و همکاری میان تمامی اشخاصی که در سرزمین آنان زندگی می‌کنند، بدون توجه به هویت قومی، فرهنگی، زبانی یا مذهبی آنان و به‌ویژه در عرصه‌های آموزش، فرهنگ و رسانه، اتخاذ می‌کنند. دولت‌های عضو متعهد می‌شوند که به‌منظور حمایت از اشخاصی که ممکن است در نتیجه هویت قومی، زبانی یا مذهبی خود، در معرض تهدید یا اعمال تبعیض‌آمیز، خصمانه و خشن قرار گیرند، اقدامات مقتضی را اتخاذ کنند.» (فضائلی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۳۴)

۱-۴. حق مدارا و تحمل

دولت‌ها اگر با اقلیت‌ها مدارا کنند، هرگز حقوق آن‌ها نادیده گرفته نخواهد شد. مدارا سنگ بنای حمایت از ویژگی‌های شخصیتی و حمایت از حقوق بشر



است و بدون آن، حقوق بشر و قواعد بین‌المللی، کلماتی بیش نیستند. تحمل و مدارا پیش شرطی است که جامعه جهانی برای رسیدن به صلح بین‌المللی، عدالت اجتماعی و روابط دوستانه افراد و ملل، بدان نیازمند است. (لسانی، ۱۳۸۲: ۱۴۰، ۱۴۱)

ماده ۲۰ میثاق حقوق مدنی و سیاسی، دولت‌های عضو را موظف می‌داند که از انتشار عقاید افراطی و تحریک‌آمیز در جامعه جلوگیری کنند. این ماده اظهار می‌دارد: «هرگونه ترغیب به تفرقه ملی یا مذهبی که باعث تحریک تبعیض یا دشمنی و خشونت شود؛ به موجب قانون ممنوع است.» کمیته حقوق بشر معتقد است که این ماده، تضمین مؤثری برای حفظ حقوق اقلیت‌های مذهبی است که در مواد ۱۸ و ۲۷ میثاق درج شده و دولت‌ها را ملزم می‌داند تا در خصوص حقوق اقلیت‌های مذهبی، اطلاعاتی را به کمیته ارائه دهند. (حجتی، ۱۳۹۱: ۴۰)

۱-۵. حق برقراری ارتباط با سایر اقلیت‌ها

حق اقلیت‌ها است که بتوانند به راحتی و بدون گذراندن مراحل مربوط به ورود و خروج از کشور، با هم در ارتباط بوده و به عنوان مثال در مراسم یکدیگر مشارکت داشته باشند. این حق در ماده ۳۲ کنوانسیون ۱۹۸۹، در مورد حقوق مربوط به افراد متعلق به گروه‌های بومی و قبیله‌ای برای اولین بار مورد شناسایی قرار گرفت. در این ماده آمده که دولت‌ها مکلفند امکانات لازم را فراهم آورند و ارتباط بین اقلیت‌های فراسوی مرزها را امکان‌پذیر کنند تا آن‌ها بتوانند در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست‌محیطی با یکدیگر همکاری داشته باشند. در ماده ۱۷ کنوانسیون اروپایی حمایت از اقلیت‌های ملی نیز آمده است که: «دولت‌ها نباید اقلیت‌ها را از داشتن ارتباط با سایر افرادی که در آن سوی مرزها زندگی می‌کنند و با این اقلیت‌ها مشترکات قومی، نژادی، مذهبی و... دارند، محروم کنند.» (لسانی، ۱۳۸۲: ۱۳۹، ۱۴۰)

مطابق بند پنج ماده ۲ اعلامیه حقوق اشخاص متعلق به اقلیت‌های ملی، قومی،



دینی یا زبانی، «اشخاص متعلق به اقلیت‌ها بدون هیچ تبعیضی حق دارند به‌طور آزاد و مسالمت‌آمیز، با سایر اعضای گروه خود و با دیگر اشخاص متعلق به اقلیت‌ها در خارج از مرزها و با اتباع دیگر کشورها که با آنان ارتباط ملی، قومی، دینی یا زبانی دارند، ارتباط برقرار کنند و آن را حفظ نمایند.» (میرحمادی، ۱۳۸۵)

۱-۶. حق تعیین سرنوشت

تعیین سرنوشت، حقی است بنیادین که بدون آن، سایر حقوق نمی‌توانند به‌طور کامل محقق شوند. تعیین سرنوشت مهم‌ترین حق حقوق بشر و پیش‌شرطی برای اعمال همه حقوق و آزادی‌های فردی است. (خلف رضایی و همکاران، ۱۳۹۶: ۶۶۶)

ماده ۱ منشور ملل متحد در بند دوم اشاره می‌کند که: «توسعه روابط دوستانه میان ملل، بر مبنای احترام به اصل تساوی حقوق و حق تعیین سرنوشت خلق‌ها و انجام سایر اقدامات مقتضی برای تحکیم صلح جهانی است.»

در سال ۱۹۶۶ نیز درباره اشتراک میثاق حقوق مدنی و سیاسی و میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ذکر شد که: «همه خلق‌ها حق تعیین سرنوشت دارند و به موجب این حق می‌توانند آزادانه موقعیت سیاسی خود را تعیین کنند و آزادانه به توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود بپردازند.»

تردید نیست که میان نهاد حمایت از اقلیت‌ها و اصل تعیین سرنوشت ارتباط وجود دارد، زیرا هر دو نهاد، هدفی واحد و مشابه دارند. کمیته حقوق بشر در تفسیر عام شماره ۱۲ خود در مورد اهمیت متن تعیین سرنوشت اشعار می‌دارد که: «حق تعیین سرنوشت دارای اهمیت خاصی است، زیرا تضمین و رعایت مؤثر حقوق فردی بشر و ترویج و تقویت آن به تحقق حق تعیین سرنوشت بستگی دارد و به همین دلیل است که دولت‌ها این حق را به‌عنوان یکی از حقوق موضوعه در ماده ۱ میثاقین و قبل از تمام دیگر حقوق درج کرده‌اند.»



حق تعیین سرنوشت در دو حیطة قابل طرح است:

(الف) حق تعیین سرنوشت خارجی که اقلیت‌ها را به‌عنوان یک واحد بین‌المللی مجزا و مستقل مطرح می‌کند.

(ب) حق تعیین سرنوشت داخلی که اقلیت‌ها را به‌عنوان یک واحد سیاسی یا فرهنگی با هویت خاص خود در چارچوب کشور محل اقامتشان مطرح می‌نماید. این رویکرد، حق تعیین سرنوشت در وقایع سیاسی جامعه را بررسی می‌کند که اهم آن‌ها عبارتند از: «انتخابات پارلمانی، انتخابات ریاست‌جمهوری، شوراهای محلی و سایر شوراهای تصمیم‌گیری».

نگاهی به اسناد بین‌المللی که به حق تعیین سرنوشت اشاره داشته‌اند، نشان می‌دهد که در آن اسناد، دولت‌ها براین نکته اصرار داشته‌اند که حق تعیین سرنوشت نباید به مفهوم تجزیه‌طلبی و تشکیل کشور مستقل برای گروه‌های اقلیت تلقی شود. در این ارتباط، بند ۶ قطع‌نامه‌های شماره ۱۵۱۴ و ۲۶۲۵ مجمع عمومی سازمان ملل متحد بیان می‌دارد: «هیچ‌یک از بندهای فوق، مشوق تجزیه یا خدشه‌دار کردن جزئی یا کلی تمامیت ارضی و استقلال سیاسی دول حاکم و مستقل که نمایندگی کل خلق‌های متعلق به سرزمین خود را بدون تمایز از حیث نژاد، عقیده و رنگ پوست برعهده دارند، نخواهد شد و چنین دلالتی نیز ندارد.» (حجتی، ۱۳۹۱: ۳۴، ۳۵) در قسمت زیر به دو نمونه اساسی حق تعیین سرنوشت اشاره می‌شود:

(الف) حق مشارکت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی

شرکت در انتخابات و رأی دادن به‌منظور تعیین سرنوشت سیاسی، امری مهم است و نمونه بارز آزادی شهروندان برای استفاده از حق فردی و سیاسی آن‌ها محسوب می‌شود. بنابراین، مشارکت مؤثر اقلیت‌ها در تصمیماتی که بر زندگی آن‌ها تأثیر دارد، برای تحقق حقوقشان، اساسی است و کشورها باید به‌طور قطعی، اقلیت‌ها را در طراحی و اجرای قوانین و سیاست‌هایی که بر جوامع آن‌ها مؤثر است، مشارکت دهند. (سلیمی و همکار، ۱۳۹۷: ۲۱۱)



در بند (ج) ماده ۵۵ منشور سازمان ملل متحد آمده است که: «احترام جهانی و مؤثر به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همه و بدون تبعیض از حیث نژاد، جنس، زبان و مذهب لازم است.» و در ماده ۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز گفته شده که: «هرکس می‌تواند بدون هیچ‌گونه تمایز به‌خصوص از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب و ملیت... از تمام حقوق و کلیه آزادی‌هایی که در اعلامیه حاضر ذکر شده، بهره‌مند شود.»

در ماده ۲۷ میثاق حقوق مدنی - سیاسی نیز ضمن اشاره صریح به واژه اقلیت، آمده: «در کشورهایی که اقلیت‌های نژادی، زبانی و مذهبی وجود دارند، اشخاصی که متعلق به این اقلیت‌ها هستند، نباید حقوقشان در برابر سایر افراد جامعه انکار شود.» (لسانی، ۱۳۸۲)

شرکت اقلیت‌ها در مسائل مهم، در بند ۳ ماده ۲۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز بدین شرح مورد تصریح قرار گرفته که: «اساس و منشاء قدرت حکومت، اراده مردم است. این اراده باید به‌وسیله انتخاباتی ابراز شود که از روی صداقت و به‌صورت ادواری انجام می‌شود. انتخابات باید عمومی و با رعایت مساوات باشد و با رأی مخفی یا شیوه‌ای نظیر آن انجام شود تا آزادی رأی را تأمین کند.»

طبق بند ۵ ماده ۴ اعلامیه حقوق اقلیت‌ها، دولت‌های عضو موظف شده‌اند ترتیباتی اتخاذ کنند تا اقلیت‌های ساکن در قلمرو خاک آن‌ها، امکان مشارکت در پیشرفت و توسعه اقتصادی کشور را داشته باشند. (آریامنس، ۱۳۹۰: ۸۷)

مطابق بند ۳ ماده ۲ اعلامیه حقوق اشخاص متعلق به اقلیت‌های ملی، قومی، دینی یا زبانی نیز «اقلیت‌ها در سطح ملی یا مناطقی که در آن زندگی می‌کنند، می‌توانند به‌طور مؤثر در تصمیم‌گیری‌ها مشارکت کنند، به شرط آن‌که با قانون‌گذاری ملی هم‌خوان باشد.» (میرمحمدی، ۱۳۸۵)



در بند ۳ ماده ۳۳ کنوانسیون ۱۹۸۹ نیز آمده است: «بومیان باید در قانون‌گذاری و انتخابات مقامات محلی خود مشارکت داشته باشند.» در بند ۱ ماده ۶ همین کنوانسیون نیز آمده که یکی از وظایف دولت‌ها، مشاوره با بومیان به‌خصوص از طریق نمایندگانشان در هر موردی است که قانون‌گذاری یا انجام امر اداری خاص، آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در بند ۱ ماده ۷ نیز آمده است: «بومیان برای مشارکت در تصمیم‌گیری‌هایی که به‌نحوی زندگی، عقیده، سنت‌ها، سرزمین تحت حاکمیت یا توسعه اقتصادی، اجتماعی و... آنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد، اولویت دارند.»

در ماده ۲۰ پیش‌نویس کنوانسیون بین‌المللی برای حمایت از گروه‌ها و اقلیت‌های نژادی و ملی (۱۹۸۸) نیز آمده که: «اگر درصد خاصی از سکنه یک حوزه قضایی یا اداری، متعلق به یک گروه ملی یا نژادی خاص باشد، این درصد طبق توافقات دولت با نمایندگان اقلیت‌ها، تعیین خواهد شد. مقامات دولتی باید معیارهای نژادی را در واگذاری پست‌های دولتی مدنظر قرار دهند و از افراد اقلیت برای اداره منطقه استفاده کنند.» (لسانی، ۱۳۸۲: ۱۴۰)

در واقع، رعایت حقوق اقلیت‌ها از حیث حق بر مشارکت سیاسی، ایجاب می‌کند که مدیران ارشد استان‌هایی که دارای اقلیت قومی یا زبانی هستند از جمله استانداران و فرمانداران، ترجیحاً و در صورت امکان، از بین خود آنان انتخاب شوند. (آریامش، ۱۳۹۰: ۸۱)

اقلیت‌ها باید امکان مشارکت در امور فرهنگی را نیز داشته باشند. ماده ۱۵ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی صراحت دارد که همه حق دارند در «حیات فرهنگی» مشارکت داشته باشند. (نادرپور و مقصودی، ۱۲۹: ۹۲)

ب) حق داشتن احزاب و انجمن‌ها

ماده ۲۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۲۲ میثاق مدنی - سیاسی و بند ۴ ماده ۲ اعلامیه حقوق اشخاص متعلق به اقلیت‌های ملی، قومی، دینی و زبانی، حق بر تجمع و تشکل را برای تمام افراد و بدون هیچ تبعیضی به رسمیت شناخته‌اند. در



این رابطه، در ماده ۲۰ اعلامیه جهانی آمده است: «هرکس حق آزادی تجمع و ایجاد تشکل مسالمت‌آمیز را دارد.» ماده ۲۲ میثاق مدنی - سیاسی نیز با تغییری جزئی نسبت به اعلامیه، اظهار می‌دارد: «هرکس حق اجتماع آزادانه با دیگران از جمله حق تشکیل سندیکا و الحاق به آن برای حمایت از منافع خود را دارد.» (بهشتی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۰) براساس بند چهارم ماده ۲ اعلامیه حقوق اشخاص متعلق به اقلیت‌های ملی، قومی، دینی و زبانی، «گروه‌های اقلیت حق دارند انجمن‌های خاص خود را تشکیل داده و آن را حفظ کنند.» (میرمحمدی، ۱۳۸۵) فعالیت این انجمن‌ها طبق اعلامیه ۱۹۹۲ خواهد بود، یعنی حفظ حقوق اقلیت‌ها از طریق فراهم ساختن شرکت مستقیم آن‌ها در جامعه و تصمیم‌گیری‌هایی است که به آنان مربوط است. (محبی و طالب نجف‌آبادی، ۱۳۹۷: ۱۳۵)

۱-۷. حق تشکیل سندیکا

آزادی تشکیل سندیکا به‌عنوان حقی جهانی، از جمله موارد حقوق بشر است که به‌طور جهانی مورد شناسایی قرار گرفته است. در ماده ۲۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده: «به حق آزادی شغل و دریافت مزد یکسان در مقابل کار مساوی برای همه و حق تشکیل اتحادیه و سندیکا برای دفاع از منافع خود تأکید می‌شود.» (زمانی و آزاددوین، ۱۳۹۶: ۱۵)

دییاجه اساس نامه بین‌المللی کار به‌عنوان اولین سند جهانی که آزادی سندیکایی را شناسایی می‌کند، این آزادی را اصل اساسی و شرط هرگونه ارتقاء اجتماعی دانسته است. اصل مزبور ایجاب می‌کند که سازمان‌های کارگری و کارفرمایی به‌دور از هرگونه نفوذ و تسلط حق داشته باشند به فعالیت‌های قانونی خود بپردازند. به عبارتی دیگر، آزادی تشکیل سندیکا یعنی این‌که افراد اجازه داشته باشند آزادانه سندیکایی را به انتخاب خود تشکیل دهند. بدین معنا که افراد شاغل در یک حرفه، بدون دخالت و محدودیت‌های وارده از سوی دولت، بتوانند با اراده خود سندیکا تشکیل دهند. در این رابطه، ماده ۸ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مجمع عمومی سازمان ملل متحد مقرر می‌دارد:



الف) هرکس حق اجتماع آزادانه با دیگران در قالب حق تشکیل سندیکا (اتحادیه‌های صنفی) و الحاق به آن برای حمایت از منافع خود را دارد.

ب) اعمال این حق، تابع هیچ‌گونه محدودیتی نیست، مگر آنچه که به موجب قانون مقرر شده یا در یک جامعه دمکراتیک به مصلحت امنیت ملی، ایمنی عمومی یا نظم عمومی نباشد یا برای حمایت از سلامت، اخلاق عمومی یا حقوق و آزادی‌های دیگران ضرورت داشته باشد. این ماده مانع نخواهد شد که اعضای نیروهای مسلح و پلیس در اعمال این حق، تابع محدودیت‌های قانونی شوند.

ج) هیچ‌یک از مقررات این ماده، دولت‌های طرف کنوانسیون ۱۹۴۸ سازمان بین‌المللی کار مربوط به آزادی سندیکایی و حمایت از حق سندیکایی (حق متشکل شدن) را مجاز نمی‌داند که با اتخاذ تدابیر قانون‌گذاری یا با نحوه اجرای قوانین، به تضمین‌های مقرر در آن کنوانسیون لطمه وارد آورند. البته میثاق در این ماده، اسمی از اقلیت‌ها نبرده، اما به‌طور ضمنی می‌توان خاطر نشان کرد که در صدر ماده، با ذکر عبارت «هرکس»، این حق شامل اقلیت‌ها نیز می‌شود. (دانای طوس، ۱۳۹۰: ۹۸، ۱۱۴)

۸-۱. حق اشتغال

حق کار و اشتغال از ضروریات زندگی هر فرد انسانی است و هر انسانی فارغ از نوع رنگ، جنس، نژاد یا منشاء اجتماعی و ملی باید از آن برخوردار باشد. ماده ۶ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی و اجتماعی در رابطه با حق کار مقرر می‌دارد:

الف) دولت‌های طرف این میثاق، حق بر کار که شامل حق هر فرد نسبت به فرصت کسب معاش از طریق کاری است که آزادانه انتخاب می‌کند یا می‌پذیرد را به رسمیت می‌شناسند و اقدامات مقتضی برای حفاظت از این حق را انجام خواهند داد.

ب) اقداماتی که دولت‌های طرف میثاق حاضر به‌منظور نیل به تحقق کامل این حق انجام می‌دهند، شامل برنامه‌های راهنمایی و تربیت فنی و حرفه‌ای خط‌مشی‌ها و فونونی



برای دستیابی به توسعه مداوم اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و اشتغال کامل و مولد، تحت شرایطی خواهد بود که آزادی‌های بنیادی، سیاسی و اقتصادی فرد را حفظ کند.

از ماده ۶ این میثاق، مفادی برای حق بر کار استنباط می‌شود که شامل موارد زیر هستند:

۱. دسترسی به اشتغال: کمیته از دولت‌های عضو انتظار دارد سیاستی را دنبال کنند که هدف آن تضمین کار برای افراد اعم از زنان یا گروه‌های قومی و به‌طور کلی همه کسانی باشد که آماده کار یا در جستجوی کار هستند. در این راستا، کمیته از دولت‌ها می‌خواهد اطلاعاتی در زمینه سطح بیکاری دسته‌های مختلف کارگران ارائه کنند. این موضوع به تعهد شناسایی افراد، گروه‌ها و مناطق با گروه‌های آسیب‌پذیر یا محروم از نظر شغلی مربوط می‌شود.

۲. فرصت کسب معاش: فرصت کسب معاش از طریق کار در ماده ۶ با حق برخورداری از شرایط مناسب کار و به‌ویژه با حق بهره‌مندی از دستمزد عادلانه که در بند الف ماده ۷ آمده، بیشترین ارتباط را دارد.

۳. دسترسی برابر به اشتغال: از رهنمودهای کمیته برمی‌آید که بایستی برابری فرصت‌ها و رفتار برای همه افراد و گروه‌های اقلیتی اعم از زبانی، مذهبی و قومی در جامعه فراهم شود. کاملاً واضح است که هرگونه محدودیتی که اثر آن لطمه زدن نامعقول به فرصت‌های اشتغال اعضای یک گروه خاص در جامعه باشد، با مقررات میثاق مغایر است.

۴. آموزش فنی و حرفه‌ای: ماده ۶ مقرر می‌دارد اقداماتی که برای نیل به تحقق کامل حق کار اتخاذ می‌شود، باید شامل برنامه‌های راهنمایی و آموزش فنی و حرفه‌ای باشد. به عبارتی، هدف نهایی این است که هر فردی فرصت داشته باشد تا از راهنمایی و آموزش مناسب برای افزایش ظرفیت فردی خود و فرصت‌های موردنظر در اشتغال بهره‌مند شود. چنین خدمتی باید رایگان بوده یا در موارد مقتضی از کمک مالی برخوردار باشد.



۵. انتخاب آزاد شغل: ماده ۶ در این زمینه مقرر می‌دارد که حق بر کار شامل فرصت کسب معاش از طریق کاری است که آزادانه انتخاب یا پذیرفته می‌شود. اعضای کمیته بر لزوم انتخاب آزاد اشتغال تأکید کرده‌اند. (دانای طوس، ۱۳۹۰: ۹۵، ۹۴)

۹-۱. حق برخورداری از تأمین اجتماعی

سازمان بین‌المللی کار در سال ۱۹۵۲، تأمین اجتماعی را در مقاله‌نامه شماره ۱۰۲ چنین تعریف کرده است: «تأمین اجتماعی به منزله حمایتی است که جامعه در قبال آسیب‌های اجتماعی و اقتصادی پدید آمده به‌واسطه قطع یا کاهش شدید درآمد افراد به علت بیماری، بارداری، حوادث و بیماری‌های ناشی از کار، بیکاری، ازکارافتادگی، سالمندی، فوت و نیز افزایش هزینه‌های درمان و نگهداری، به اعضای خود ارائه می‌کند.» (دانای طوس، ۱۳۹۰: ۱۰۶)

اعلامیه جهانی حقوق بشر در مواد ۲۲، ۲۳، و ۲۵ به تأمین اجتماعی در مفهوم حقوقی آن اشاره کرده و آن را به‌عنوان یک «حق بشری جهان‌شمول» به رسمیت شناخته است. در ماده ۲۲ این اعلامیه آمده است: «هرکس به‌عنوان عضو اجتماع، از حق تأمین اجتماعی برخوردار بوده و مجاز است به‌وسیله مساعی ملی و همکاری بین‌المللی، باتوجه به سازمان و امکانات هر کشور، حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود را که لازمه حیثیت و تکامل آزاد شخصیت اوست، تحقق بخشد.»

ماده ۲۵ اعلامیه نیز حداقل استانداردهای حق برخورداری از تأمین اجتماعی را مشخص کرده و مقرر می‌دارد: «هرکس حق دارد سلامتی و رفاه خود و خانواده‌اش را از حیث خوراک، مسکن و مراقبت‌های پزشکی و خدمات لازم اجتماعی تأمین کند. هم‌چنین حق دارد در مواقع بیکاری، بیماری، نقص اعضا، بیوه‌گی، پیری یا در تمام موارد دیگری که به عللی خارج از اراده انسان، وسایل امرار معاش از بین رفته باشد، از شرایط آبرومندانه زندگی برخوردار شود.»



میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز در ماده ۹ و بند ۱ ماده ۱۱ میثاق به صراحت به حق برخورداری از تأمین اجتماعی اشاره کرده است. در ماده ۹ این میثاق آمده است: «کشورهای متعهد به میثاق، حقوق هر شخص در خصوص تأمین اجتماعی را به رسمیت می‌شناسند.» در بند ۱ ماده ۱۱ نیز آمده: «کشورهای متعهد حق هر فردی در خصوص داشتن سطح زندگی کافی برای خود و خانواده‌اش شامل خوراک، پوشاک و مسکن کافی و نیز بهبود مداوم شرایط زندگی را به رسمیت می‌شناسند و به منظور تحقق این حق، تدابیر مقتضی را اتخاذ خواهند کرد و اهمیت اساسی همکاری بین‌المللی براساس رضایت آن‌ها را قبول دارند.»

کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض نژادی نیز حق تأمین اجتماعی «بدون تبعیض» را به رسمیت شناخته و اعلام می‌دارد: «دولت‌های عضو باید تبعیض نژادی را در همه اشکال آن ممنوع کنند و حق هر کس به برابری در پیشگاه قانون به‌ویژه در برخورداری از حق بهداشت (سلامت عمومی)، مراقبت درمانی، تأمین اجتماعی و خدمات اجتماعی را بدون تفاوت از حیث نژاد، رنگ یا ریشه ملی و قومی تضمین کنند.» کنوانسیون حقوق کودک نیز با تأکید بر حق تأمین اجتماعی کودکان، مقرر می‌دارد: «دولت‌های عضو باید حق هر کودک به بهره‌مندی از تأمین اجتماعی شامل بیمه‌های اجتماعی را به رسمیت شناخته و اقدامات ضروری برای دستیابی به تحقق کامل این حق براساس حقوق ملی آن‌ها را اتخاذ کنند.» (زمانی و آزادوین، ۱۳۹۶: ۲۲ و ۱۰)

۱-۱۰. حق برخورداری از تحصیلات براساس ویژگی‌های اقلیتی

اولین سند بین‌المللی که حق برخورداری از تحصیلات را در حقوق بشر ذکر کرد، اعلامیه جهانی حقوق بشر بود. در واقع، تحصیل حق تمامی مردم و همه اتباع یک کشور است، با این تفاوت که تحصیل در مورد اقلیت‌ها باید دارای ویژگی‌های



خاص خود از جمله استفاده از زبان اقلیت‌ها، آموزش تاریخ و فرهنگ اقلیت‌ها، آموزش مذهبی آنان و غیره باشد. در بند ۱ ماده ۲۷ کنوانسیون ۱۹۸۹ مربوط به افراد متعلق به گروه‌های بومی و قبیله‌ای آمده است که: «برنامه‌های تحصیلی این افراد باید توسعه یابد و منطبق با نیازهای خاص و تاریخ آنان و با هدف بالا بردن سطح دانش، تکنولوژی و جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی باشد.»

در بند ۳ همین ماده نیز آمده که: «دولت‌ها موظفند حقوق اقلیت‌ها را در ایجاد مدارس و آموزشگاه‌ها شناسایی کرده و زمینه همکاری این اقلیت‌ها را در توسعه کشور فراهم آورند.» در کنوانسیون مبارزه با تبعیض در تحصیلات که توسط یونسکو به تصویب رسیده نیز آمده است که: «این حق برای اقلیت‌ها شناخته شده که به مدارس بروند که مخصوص زبان خودشان است.» (لسانی، ۱۳۸۲: ۱۳۷ و ۱۳۸)

سند بین‌المللی دیگری نیز که هرچند مختص حمایت از اقلیت‌ها نیست، لیکن در حوزه آموزش، از اقلیت‌ها حمایت بیشتری کرده، کنوانسیون منع تبعیض در آموزش یونسکو است که در ماده ۵ اشعار می‌دارد: «به رسمیت شناختن حق اعضای اقلیت‌های ملی مبنی بر انجام فعالیت‌های آموزشی از جمله ایجاد مدارس و بنا بر سیاست آموزشی هر کشور عضو، به‌کارگیری یا آموزش زبان خویش (در آن مدارس)، ضروری است.» (فضائلی و کرمی، ۱۳۹۶: ۱۶)

طبق ماده ۱۳ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، کشورهای عضو باید «حق تحصیل» را به رسمیت شناخته و آن را به سمت تکامل شخصیت بشری و احساس کرامت سوق داده و حقوق بشر و آزادی‌های اساسی را محترم شمارند. (نادرپور و مقصودی، ۱۳۹۲: ۱۲۹)

در ماده ۱۲۳ کنوانسیون دوربان (۲۰۰۱) نیز آمده که: «دولت‌ها باید هرگونه تبعیض براساس نژاد، رنگ و ملیت را در تمام سطوح تحصیلی اعم از تحصیلات رسمی و غیررسمی ممنوع و تضمین کنند که تمام کودکان به تحصیلات با کیفیت عالی دسترسی داشته باشند.»



موضوع تحصیل اقلیت‌ها از اهمیت بالایی برخوردار است، به گونه‌ای که سازمان امنیت و همکاری اروپا در جولای سال ۱۹۹۲، کمیسیونی برای بررسی مسائل اقلیت‌های ملی تشکیل داد و اولین موضوع مورد بحث آن نیز تحصیل اقلیت‌های ملی بود. این کمیسیون پیشنهادنامه ۲۱ ماده‌ای تنظیم کرد که در ماده ۱۹ آن آمده است: «مقامات آموزشی دولت‌ها مکلفند برنامه‌های آموزشی اقلیت‌ها را به گونه‌ای برنامه‌ریزی کنند که آموزش تاریخ، فرهنگ و سنت‌های اقلیت‌های ملی را دربر داشته باشد.» در ماده ۵ نیز ذکر شده که: «دولت‌ها باید زمینه همکاری نمایندگان گروه‌های اقلیت‌های ملی را در زمینه برنامه‌های تحصیلی اقلیت‌ها فراهم کنند.» (لسانی، ۱۳۸۲: ۱۳۷)

کمیته حقوق بشر در تفسیر عام شماره ۲۲، به بند ۴ ماده ۱۸ میثاق استناد می‌کند که براساس آن، والدین و مسئولان قانونی اطفال حق دارند کودکانشان تحت آموزش‌های مذهبی و اخلاقی موردنظر آنان قرار گیرند. براساس ماده ۱۴ کنوانسیون حقوق کودک، همه کودکان از آزادی مذهب و عقیده برخوردارند. در بند ۲ ماده ۵ اعلامیه ۱۹۸۱ نیز بیان شده که والدین حق دارند مطمئن شوند که آموزش اطفال آنان در مدارس براساس احترام به عقاید مذهبی یا فلسفی آنها انجام می‌شود. در ماده ۲ پروتکل اول کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نیز آمده است: «هیچ‌کس نباید از حق آموزش و پرورش محروم شود. دولت‌ها باید در اعمال وظایفی که در زمینه آموزش و پرورش و تعلیم برعهده دارند، به حق والدین در تضمین آموزش و پرورش و تعلیم مزبور طبق عقاید مذهبی و فلسفی احترام بگذارند.» (حجتی، ۱۳۹۱: ۳۹)



۲. حقوق اقلیت‌های قومی

۲-۱. حق حفظ فرهنگ

آنچه که یک گروه اقلیت را از گروه‌های دیگر و به‌ویژه اکثریت جامعه متمایز می‌کند و به آن جایگاه و هویتی مستقل می‌بخشد، عناصر و مؤلفه‌های فرهنگی مختص اوست. حقوق فرهنگی، حق‌هایی بشری هستند که هدف آن‌ها تضمین بهره‌مندی صاحبان آن حقوق از فرهنگ و مؤلفه‌های آن در شرایط برابر با حفظ کرامت بشری و عدم تبعیض است. هویت فرهنگی هر گروهی متشکل از عناصر تشکیل دهنده فرهنگ آن گروه چون زبان مادری، گذشته تاریخی، حماسه آبا و اجدادی، سرزمین نیاکانی، باورها، سنت‌ها و پوشش‌های محلی و قومی، سبک زندگی، هنر و ادبیات موروثی، میراث فرهنگی و ... است. (فضائی و کرمی، ۱۳۹۶: ۱۴ و ۱۵)

اقلیت‌ها در استفاده از این حق می‌توانند لباس‌های مشخص خویش را بر تن کرده و به آداب و رسوم خاص فرهنگ خود در مراسم و مهمانی‌ها عمل و از ادبیات و هنر خاص خود استفاده کنند. (میرمحمدی، ۱۳۸۵)

بند ۱ ماده ۲ میثاق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، به حق مشارکت افراد در زندگی فرهنگی اشاره کرده، اما تعهدات دولت‌ها در این زمینه ضروری نیست و آن‌ها صرفاً ملزم هستند اقداماتی را در راستای بهره‌مندی تدریجی افراد از حقوق مندرج اتخاذ کنند. ضمن این‌که وجود انجمن‌ها و سازمان‌های حافظ فرهنگ اقلیت‌ها و کمک دولت به این نهادها و نیز ایجاد حوزه، مؤسسات و کتابخانه‌های مربوط به فرهنگ گروه‌های اقلیت، از مصادیق انجام وظایف و تعهدات دولت‌ها در حمایت و پاسداری از فرهنگ اقلیت‌ها است. تعهد مذکور به صراحت در ماده ۱۲ منشور اروپایی زبان‌های محلی و اقلیت نیز گنجانده شده است. در همین ارتباط، بند ۴ ماده ۴ بیانیه حقوق اقلیت‌های ملل متحد ۱۹۹۲ نیز مقرر می‌دارد: «دولت‌ها تا آن‌جا که مناسب باشد،



باید آموزش‌هایی را به منظور تشویق آگاهی از تاریخ، سنن، زبان و فرهنگ اقلیت‌های ساکن در سرزمینشان در اختیار همگان قرار دهند.» (حجتی، ۱۳۹۱: ۳۲ و ۳۳)

کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در تفسیر عام شماره ۲۱ خود، با قاطعیت از «حق اقلیت‌ها و اشخاص متعلق به اقلیت‌ها بر مشارکت در زندگی فرهنگی جامعه و نیز حراست، ارتقاء و توسعه فرهنگ خویش» دفاع می‌کند و اظهار می‌دارد: «اقلیت‌ها دارای حق بر تنوع فرهنگی، سنت‌ها، عرف‌ها، مذهب، شیوه‌های آموزش، زبان، رسانه‌های ارتباطی و دیگر مظاهر هویت و عضویت فرهنگی خویش هستند.» (فضائلی و کرمی، ۱۳۹۶: ۲۲)

ماده ۵ کنوانسیون چارچوب حمایت از اقلیت‌ها نیز مقرر می‌دارد: «دولت‌های عضو متعهد می‌شوند که شرایط ضروری برای اشخاص متعلق به اقلیت‌های ملی را به منظور حفظ و گسترش فرهنگ آنان فراهم آورند و از عناصر حیاتی هویت آن‌ها یعنی مذهب، زبان، سنن و میراث فرهنگی حراست کنند. دولت‌های عضو، بدون خدشه به اقدامات اتخاذ شده و پیرو سیاست هم‌گرایی کلی خود، از اعمال سیاست‌ها و اعمالی که هدف از آن همانندسازی و ادغام اشخاص متعلق به اقلیت‌های ملی برخلاف میل آنان است، خودداری کرده و از این اشخاص در مقابل هر عملی که هدف چنین همانندسازی باشد، حمایت می‌کنند.» (فضائلی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۳۳)

در ماده ۳۱ کنوانسیون مربوط به افراد متعلق به گروه‌های بومی و قبیله‌ای (۱۹۸۹) نیز آمده است که کتب تاریخ اقلیت‌ها باید براساس واقعیات تاریخی، اجتماعی و فرهنگی آن‌ها باشد. در ماده ۱۵ کنوانسیون ۲۰۰۱ دوربین هم ذکر شده که دولت‌ها باید اقلیت‌های بومی را تحریک کنند که نسبت به تاریخ و فرهنگ خود دانش بهتری داشته باشند. (لسانی، ۱۳۸۲: ۱۴۶)



۲-۲. حق استفاده از زبان مادری یا محلی

بحث مربوط به حقوق زبانی و بهره‌مندی اقلیت‌های قومی از زبان خود، معمولاً هنگامی مطرح می‌شود که در جامعه‌ای دو یا چند زبان رایج است و یکی از زبان‌ها به‌عنوان زبان رسمی پذیرفته شده و دولت با حمایت از زبان رسمی کشور، فضا را برای حضور زبان‌های دیگر در عرصه‌های مختلف فرهنگی و استفاده از آن‌ها تنگ می‌کند. در این شرایط، برخی زبان‌ها در طول زمان استحاله شده یا به‌کلی نابود می‌شوند. امروزه در اثر اجرای سیاست‌های نژادپرستانه فرهنگی توسط برخی دولت‌ها، بسیاری از زبان‌ها و گویش‌ها در اقصی نقاط جهان از بین رفته است، در حالی که در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی یکی از موارد مورد حمایت، حقوق زبانی اقلیت‌هاست که با نگارش سلبی، در آن قید شده که دولت‌ها نباید مانع استفاده گروه اقلیت از زبان خودشان شوند. (فتاحی، ۱۳۷۶: ۶۷)

در پرتو این حق، اقلیت‌ها می‌توانند از زبان مخصوص خود در زندگی اجتماعی اعم از روابط خصوصی، تجاری و مراسم دینی بهره ببرند و امکان استفاده از زبان خود در رسانه‌ها، انتشارات و آموزش برای آنان وجود دارد. (میرمحمدی، ۱۳۸۵)

بند ۱ ماده ۲ اعلامیه حقوق اقلیت‌ها نیز اعلام می‌دارد: «افراد متعلق به اقلیت‌های ملی، قومی، دینی و زبانی حق دارند از فرهنگ، مذهب و زبان خاص خود به‌طور خصوصی یا علنی، آزادانه و بدون واسطه یا تبعیض استفاده کرده و آن‌ها را به معرض اجرا بگذارند.» هم‌چنین به موجب ماده ۲۷ میثاق حقوق مدنی و سیاسی، در کشورهایی که اقلیت‌های قومی، نژادی، زبانی یا دینی وجود دارد، افراد متعلق به آن‌ها نباید از حق زندگی اجتماعی با هم‌نوعان خود، حق اجرای مراسم مذهبی خاص و حق استفاده از زبان محلی خود محروم شوند.



بر اساس مفاد بند ۳ ماده ۴ حقوق اقلیت‌ها، دولت‌های عضو موظف شده‌اند تا حد ممکن ترتیباتی اتخاذ کنند تا اقلیت‌های زبانی، امکان آموزش زبان مادری یا بهره‌مندی از آموزش به زبان مادری را داشته باشند. (آریامنش، ۱۳۹۰: ۸۳-۸۵)

در مجموع، حقوق زبانی اقلیت‌های قومی را می‌توان در موارد زیر احصا کرد:

۲-۲-۱. حق صحبت کردن به زبان مادری در روابط خصوصی بین اعضای گروه

حق صحبت به زبان مادری در روابط خصوصی بین اعضای گروه‌های اقلیت قومی به صراحت در ماده ۲۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی پیش‌بینی شده است. از طرف دیگر، نادیده گرفتن و تخلف از این حق می‌تواند تخلف آشکار از قیود و شرایط ماده ۲۶ میثاق به‌عنوان تبعیض بر مبنای زبان تلقی شود. (فتاحی، ۱۳۸۶: ۶۸)

در مقدمه منشور اروپایی زبان‌های محلی یا اقلیت، به حفظ ارزش چندزبانه بودن دول عضو تأکید شده است. در ماده ۷ منشور اروپایی نیز دول عضو متعهد شده‌اند که استفاده از زبان‌های محلی و اقلیت در زمینه محاوره و مکاتبه را فراهم کرده و حتی آن را تشویق کنند. در ماده ۱۳ منشور اروپایی زبان‌های محلی یا اقلیت، تعهد دولت‌ها به حذف هر نوع ممنوعیت یا محدودیت قانون‌گذاری در استفاده از زبان‌های محلی در زندگی عمومی و اسناد مربوط به حیات اقتصادی و اجتماعی یادآوری شده است. (حجتی، ۱۳۹۱: ۳۱)

۲-۲-۲. حق آموزش به زبان مادری

آموزش و یادگیری زبان مادری از جمله حقوق و مطالبات مهمی است که گروه‌های اقلیت خواهان بهره‌مندی از آن هستند و بدون تأمین آموزش، امکان بقای زبان مادری در درازمدت وجود ندارد. در واقع، در راستای حفظ و توسعه فرهنگ اقلیت‌ها، لازم است که امکانات آموزشی برای تدریس زبان آن‌ها ایجاد شود. از ماده ۲۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز هر چند به‌صورت مستقیم تنها حق



صحبت کردن و استفاده از زبان مادری استنباط می‌شود، اما می‌توان به دلالت التزامی، حق آموزش زبان را از مفاد این ماده استخراج کرد.

متأسفانه کمیته حقوق بشر تاکنون موضوع الزام دولت به برپایی نهادهای آموزشی به زبان اقلیت را در شکایات قربانیان نقض حقوق بشر مورد بحث قرار نداده، اما از تفسیر عام شماره ۲۳ کمیته، می‌توان چنین تعهدی را برای دولت‌ها شناسایی کرد. کمیته حقوق بشر در تفسیر عام ماده ۲۷ میثاق، دول عضو را ملزم به اتخاذ اقدامات ایجابی برای حفظ فرهنگ گروه‌های اقلیت می‌داند و بر این واقعیت تأکید دارد که با وجود نگارش سلبی این ماده، نمی‌توان دولت را متعهد به انجام اقدامات مثبت ندانست. همگان می‌پذیرند که آموزش زبان مادری، نقشی انکارناپذیر در حفظ هویت اقلیت‌ها دارد و حفظ هویت اقلیت‌ها به‌عنوان یک قاعده آمره اعلام شده است. تردیدی نیست که جایگاه والای قواعد آمره در نظام قواعد حقوق بین‌المللی، نه تنها دول عضو میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، بلکه تمام دول عضو جامعه بین‌المللی را ملزم می‌سازد که امکانات و نهادهای لازم برای آموزش به زبان مادری به کودکان عضو گروه‌های اقلیت را فراهم سازند. در تقویت این استدلال می‌توان به تفسیر عام شماره ۲۳ کمیته حقوق بشر اشاره کرد. در این تفسیر، کمیته حق مندرج در ماده ۲۷ برای استفاده از زبان را از حق آزادی بیان متفاوت دانسته و از آن به‌عنوان حقی مجزا نام برده است. «حق افراد متعلق به گروه اقلیت زبانی که در مجامع خصوصی یا عمومی خود از زبان مادری استفاده کنند»، از دیگر حقوق مربوط به استفاده از زبان که در میثاق ذکر شده، متفاوت است. به‌ویژه این‌که، این حق را می‌بایست از حق کلی آزادی بیان که در ماده ۱۹ آمده، مجزا دانست. این حق صرف‌نظر از آن‌که به گروه اقلیت تعلق داشته باشد یا خیر، متعلق به همه افراد است. از تفاوت ذکر شده می‌توان نتیجه گرفت که دولت‌ها نمی‌توانند در حوزه آزادی بیان دخالت کنند و در حقیقت تعهد دولت در



این حوزه، منع مداخله است. براین اساس، تردیدی نیست که اقلیت‌ها حق تأسیس نهادهای خصوصی آموزشی را دارند و این امر در قلمرو کلی آزادی بیان می‌گنجد. حال اگر تعهد دولت در ارتباط با ماده ۲۷ را سلبی بدانیم و برای گروه‌های اقلیت در الزام دولت به تأسیس نهادهای آموزشی به زبان مادری حقی قائل نشویم، در این صورت تفاوتی میان ماده ۱۹ و ماده ۲۷ باقی نخواهد ماند و ماده ۲۷ چیزی فراتر از مفاد ماده ۱۹ نخواهد داشت. بدیهی است چنین تفسیری از ماده ۲۷ مغایر اصل آثار مفید در تفسیر معاهدات بین‌المللی است. از این رو می‌بایست دولت را موظف به حمایت از انجمن‌های فعال در حوزه آموزش زبان مادری دانست. (فتاحی، ۱۳۸۶: ۷۴-۷۵)

در کنوانسیون چارچوب حمایت از اقلیت‌های ملی و منشور اروپایی زبان‌های محلی یا اقلیت نیز بر وجود این حق تأکید شده است. با وجود این، در کنوانسیون‌های منطقه‌ای حقوق بشر به دلیل فقدان ماده‌ای خاص در مورد حقوق اقلیت‌ها، حق آموزش به زبان مادری شناسایی نشده است. (حجتی، ۱۳۹۱: ۳۲)

۲-۳-۲. حق استفاده از زبان مادری در عرصه‌های عمومی و نهادهای اداری

حق صحبت کردن به زبان مادری در نهادهای اداری، حقی است که برای اقلیت‌ها در نظر گرفته شده است. در اسناد بین‌المللی، موضوع استفاده از زبان مادری در نهادهای اداری به دو حوزه استفاده در دادگاه و استفاده در مراجع اداری تقسیم می‌شود. الف) استفاده از زبان مادری در محاکم قضایی: در ماده ۱۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی در مورد آن دسته از افراد که نمی‌توانند زبان رسمی دادگاه را بفهمند یا با آن صحبت کنند؛ حق استفاده از مترجم داده شده است. (حجتی، ۱۳۹۲: ۳۲)

در توصیه‌نامه اسلو، حق گروه‌های اقلیت به استفاده از زبان خود در دادگاه، حتی در صورت تسلط به زبان رسمی، مورد شناسایی قرار گرفته است. این حق توسط طرفداران حمایت از حقوق اقلیت‌ها نیز شناسایی شده است. (دانای طوس، ۱۳۹۰: ۶۲-۶۳)



ب) استفاده از زبان مادری در مراجع اداری: کنوانسیون چارچوب حمایت از اقلیت‌های ملی در بند ۲ ماده ۱۰، از دول عضو می‌خواهد تا آن‌جا که ممکن است در مناطقی که محل تمرکز و سکونت اقلیت‌هاست و در صورت تمایل آن‌ها، در روابط میان اشخاص و مقامات اداری، از زبان گروه اقلیت استفاده شود. در زمینه استفاده از زبان در عرصه‌های عمومی، دولت‌های عضو منشور اروپایی ملزم شده‌اند در مؤسسات اجتماعی مانند بیمارستان‌ها، مراکز سالمندان و هتل‌ها که در مناطق محل سکونت اقلیت‌ها قرار دارند، از زبان محلی استفاده شود تا اشخاص مراجعه‌کننده با مشکل مواجه نشوند.

حق گروه‌های اقلیت در نام‌گذاری انجمن‌های فرهنگی و مؤسسات تجاری به زبان مادری، از دیگر آثار حق استفاده از زبان مادری در عرصه عمومی است. (حجتی، ۱۳۹۲: ۳۲)

در توصیه‌نامه‌های اسلو نیز گفته شده است در مناطقی که تعداد زیادی از اشخاص متعلق به گروه‌های اقلیت سکونت دارند و در صورت تمایل آن‌ها، مقامات عمومی می‌بایست برای نام‌گذاری اماکن، خیابان‌ها و نشانه‌گذاری‌ها در نقشه‌ها از واژگان اسامی مندرج در زبان اقلیت استفاده کنند.

۲-۲-۴. حق داشتن رسانه به زبان مادری

حق داشتن رسانه اعم از رادیو، تلویزیون و مطبوعات به زبان مادری، یکی از مهم‌ترین حقوق زبانی برای اقلیت‌های قومی است. بدین معنا که آن‌ها حق دارند در رسانه‌های محلی خود، از زبان مادری که با آن تکلم می‌کنند، استفاده کنند. این حق در هیچ‌یک از اسناد به‌جز ماده ۹ کنوانسیون چارچوب حمایت از اقلیت‌های ملی، مورد توجه قرار نگرفته است.

براساس این ماده، گروه‌های اقلیت در چارچوب نظام ملی، حق استفاده از رسانه‌های عمومی به زبان خود را دارند. این حق‌ها شامل برخورداری از رادیو و تلویزیون و داشتن رسانه به زبان مادری نیز می‌شود. (دانای طوس، ۱۳۹۰: ۶۲-۶۳)



۲-۳. حق استفاده از نام‌های مناسب کودکان براساس فرهنگ

اقلیت‌های قومی حق دارند در راستای حفظ فرهنگ و شیوه زندگی خود، از سنت و زبان خویش در نام‌گذاری فرزندان‌شان استفاده کنند. اصولاً نام‌های مورد استفاده در هر جامعه‌ای، نشانگر ارزش‌ها و نمادهای آن جامعه است و با مرور نام‌های مورد استفاده برای کودکان در هر جامعه، می‌توان تا حدودی با تاریخ، شخصیت‌ها و افسانه‌های آن جامعه آشنا شد. (فتاحی، ۱۳۸۶: ۶۰)

جنبه‌هایی از این حق، مربوط به حقوق زبانی اقلیت‌ها است. دولت‌ها می‌بایست حق گروه‌های اقلیت در استفاده از زبان مادری را در نام‌گذاری کودکان بپذیرند. نام‌گذاری کودکان می‌بایست از سوی مقامات عمومی شناسایی و از آن در اسناد رسمی استفاده شود. کمیته حقوق بشر با ارائه تفسیری اقلیت‌گرایانه از ماده ۱۷ میثاق حقوق مدنی و سیاسی، بر این اعتقاد است که نام کوچک و حتی نام خانوادگی افراد، جزئی از هویت آنان است و انسان‌ها برای حفظ هویت فرهنگی مجازند نام و نام خانوادگی خود را براساس سنت‌های قومی، مذهبی و فرهنگی تعیین کنند و در صورتی که نام کنونی آن‌ها منطبق با این سنت‌ها نباشد، آن را تغییر دهند. (جنتی، ۱۳۹۱: ۳۳)

ماده ۱۷ میثاق نیز مقرر می‌دارد: «زندگی خصوصی، خانوادگی، خانه یا مکاتبات هیچ‌کس نباید مورد دخالت خودسرانه یا خلاف قانون قرار گیرد. هم‌چنین شرافت و حیثیت او نباید مورد تعرض غیرقانونی قرار بگیرد.» در ماده ۱۱ کنوانسیون چارچوب حمایت از اقلیت‌های ملی نیز مقرر شده که: «دولت عضو متعهد می‌شوند که حق هر شخص متعلق به اقلیت‌های ملی برای استفاده از نام و نام خانوادگی، براساس زبان مادری آن‌ها و با توجه به شیوه‌های مقرر در نظام حقوقی‌شان پذیرفته شود.» هم‌چنین در ماده ۱۱ این کنوانسیون به حق اقلیت‌ها در نام‌گذاری اماکن تاریخی، جغرافیایی و خیابان‌ها براساس فرهنگ و زبان اقلیت‌ها اشاره شده است. (دانای طوس، ۱۳۹۰: ۶۹)



۲-۴. حق زندگی به شیوه خاص در محل سکونت و زادگاه خود

شیوه زندگی انسان‌ها و بسیاری از آداب و رسوم آن‌ها متأثر از طبیعت منطقه‌ای است که در آن زندگی می‌کنند. بنابراین هر قومیتی بسته به محیطی که در آن زندگی می‌کند، آداب، رسوم و سنت‌های خاصی دارند و از شیوه زندگی مخصوص به خود برخوردارند. در این رابطه، جابه‌جایی و انتقال قهری جمعیت، سبب از بین رفتن شیوه خاص زندگی اقلیت‌های قومی و مانع بهره‌مندی از فرهنگ خاص آنان می‌شود که حقوق بین‌الملل این عمل را از مصادیق جنایت علیه بشریت تلقی کرده و نهادها و اسناد حقوق بشر نیز دولت‌ها را از دخالت در تغییر بافت محل سکونت و معیشت گروه‌های اقلیت بر حذر داشته‌اند. اگر دخالت دولت در شیوه زندگی گروه‌های اقلیت به نحوی باشد که مانع بهره‌مندی آن‌ها از فرهنگ خود شود؛ آن اقدام، ناقض ماده ۲۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی خواهد بود. (فتاحی، ۱۳۸۶: ۶۲)

۳. حقوق اقلیت‌های مذهبی

اقلیت‌های مذهبی از قدیمی‌ترین انواع اقلیت‌های شناخته شده و مورد حمایت توسط دولت‌ها هستند. جنگ‌های صلیبی به‌عنوان یکی از عوامل مهم در برخورد ادیان، سبب سکونت اقلیت مسلمان در کشورهای مسیحی و اقلیت مسیحی در کشورهای مسلمان شد. تعیین خطوط مرزی در پی جنگ‌های طولانی نیز حداقل در اروپا، دورافتادن پیروان مذاهب از یکدیگر و سکونت کاتولیک‌ها در کشورهای پروتستان و پروتستان‌ها در کشورهای کاتولیک را به همراه داشت. تحولاتی شبیه همین مسئله در کشورهای اسلامی نیز سبب در اقلیت قرار گرفتن شیعه در کشورهای سنی مذهب مانند پاکستان و اهل سنت در کشورهای شیعه مذهب مانند ایران شد. حق حیات، حق اشتغال و حق سکونت از ابتدایی‌ترین حقوق در نظر گرفته شده



برای اقلیت‌های مذهبی طبق معاهدات چند قرن پیش است، اما اندک اندک و با گذشت زمان، حق انجام مراسم مذهبی و حق استخدام عمومی پیروان مذاهب اقلیت نیز شناسایی شد. بعد از قتل عام‌های مذهبی و نژادی در دوران جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۴۸، در اعلامیه جهانی حقوق بشر، آزادی تفکر، عقیده و مذهب به‌طور دقیق مورد حمایت قرار گرفت. کنوانسیون اروپایی حمایت از اقلیت‌های ملی نیز در ماده ۸ خود این حق را برای اقلیت‌های ملی مورد تأکید قرار می‌دهد که حق داشته باشند عقیده و مذهب خود را آشکار و در این راستا، مؤسسات و سازمان‌هایی احداث کنند.

(لسانی، ۱۳۸۲: ۱۴۲)

۳-۱. حق آزادی عقیده و مذهب

میثاق حقوق مدنی و سیاسی در ماده ۱۸، حق آزادی فکر، وجدان و مذهب را مورد توجه قرار داده و آنرا شامل آزادی برای داشتن یا قبول یک مذهب یا معتقدات به انتخاب خود، آزادی ابراز مذهب یا اعتقادات به‌صورت فردی یا جمعی، علنی یا در خفا، در عبادت و اجرای آداب و اعمال و تعلیمات مذهبی دانسته است. طبعاً این آزادی ایجاب می‌کند هیچ‌کس مورد اکراه واقع نشود که به آزادی او در داشتن یا قبول یک مذهب یا معتقدات وی لطمه وارد سازد. اسناد مورد بحث، عبارات مذهب و عقیده را به‌صورت توأم یا به جای هم مورد استفاده قرار داده‌اند. این امر بدین خاطر است که مبدا عدم استفاده از واژه «عقیده»، مفری برای دولت‌ها باشد تا با عدم تلقی یک طرز فکر به‌عنوان مذهب، از زیر تعهدات خود شانه خالی کنند.

(زمانی، ۱۳۸۴: ۶۰ و ۱۶۱)

هم‌چنین، ماده ۹ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مقرر می‌دارد: «هرکس حق آزادی اندیشه، وجدان و مذهب را دارد. این حق شامل آزادی افراد برای تغییر مذهب و

اعتقاد نیز می‌شود.» (حجتی، ۱۳۹۱: ۳۵)



میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز آزادی مذهب را در ماده ۱۸ به رسمیت شناخته و آن را در زمره تعهداتی قرار داده که «انحراف از آن تحت هیچ شرایطی مجاز نیست.» (بند ۲ ماده ۴ میثاق)

از منظر حقوق بین‌الملل، ماده ۱۹ اعلامیه حقوق بشر نیز اشعار می‌دارد: «هرکس حق آزادی عقیده و بیان را دارد و حق مزبور آن است که از داشتن عقاید خود بیم و اضطرابی نداشته باشد و در کسب اطلاعات و افکار و در اخذ و انتشار آن به تمام وسایل ممکن و بدون ملاحظات مرزی آزاد باشد.» (آریامنش، ۱۳۹۰: ۱۹) در این رابطه، تدوین‌کنندگان اعلامیه ۲۵ نوامبر ۱۹۸۱ مجمع عمومی راجع به محو همه اشکال ناپردباری و تبعیض براساس مذهب یا عقیده در بیان آزادی مذهب و عقیده (و نه مفهوم مذهب و عقیده)، دقت بیشتری داشته‌اند و در ماده ۱ مقرر کرده‌اند که: «... این حق، آزادی داشتن یک مذهب یا هرگونه عقیده‌ای را به اختیار خویش شامل می‌شود.» (حجتی، ۱۳۹۱: ۳۰)

۲-۳. حق اجرای آداب و مناسک مذهبی

طبق ماده ۱۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر، «هرکس حق دارد از آزادی فکر، وجدان و مذهب بهره‌مند شود. این حق متضمن تغییر مذهب یا عقیده و نیز متضمن آزادی اظهار عقیده و ایمان و شامل تعلیمات مذهبی و اجرای مراسم دینی است و هرکس می‌تواند از این حقوق به صورت فردی یا جمعی، خصوصی یا عمومی برخوردار باشد.» شرکت آزادانه اعضای اقلیت در مراسم و آداب دینی خود، عدم اجبار آنان به شرکت در مراسم دینی دیگر، عدم اجبار به دیدن آموزش دین دیگر و حق تأسیس نهادهای مذهبی را می‌توان از مصادیق این حق به شمار آورد. (میرمحمدی، ۱۳۸۵)

در واقع، ماده ۱۸ میثاق حقوق مدنی و سیاسی، اشکال ابراز دین را شامل عبادت، اجرای آداب، اعمال و تعلیمات مذهبی دانسته است. این ویژگی‌ها حاکی است که هر نوع عمل و رفتاری می‌تواند در قالب ابراز دین قرار گیرد. هم‌چنین، طبق این ماده،



ابراز دین می‌تواند به شکل مخفی یا علنی باشد. این ویژگی از دو نظر حائز اهمیت است. اول این‌که برخی اعمال مذهبی ذاتاً علنی هستند و قید فوق، انجام آن‌ها را تضمین کرده است. (مانند شیوه‌های پوشش)

اهمیت دیگر ویژگی فوق نیز در این است که حق آزادی دین را منحصر به انجام اعمال دینی نمی‌داند، بلکه به دینداران حق می‌دهد بنا به مصالحی چون تبلیغات دینی، اعمال دینی خود را به صورت علنی برگزار کنند؛ هرچند آن اعمال ذاتاً علنی نباشند. (سودمنی و همکار، ۱۳۹۱: ۸۷-۸۸)

اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای حقوق بشری نیز به آزادی ابراز دین یا عقیده در عبادت، انجام و آموزش مناسک دینی اشاره دارند. کنوانسیون اروپایی حقوق بشر چهار نوع مشخص از ابراز دین یا عقیده را «پرستش، تعلیم، انجام مناسک و مراعات» می‌داند. (شمسی، ۱۳۹۰: ۱۶۳)

۳-۳. حق انتخاب رهبر دینی

آزادی در انتخاب و تربیت روحانیون و رهبران دینی و مشارکت آنان در حیات اجتماعی دینی معتقدان به‌عنوان یک حق نهادینه و جمعی برای دینوران، جلوه‌ای از حقوق اقلیت‌های دینی است. بند (ز) ماده ۶ اعلامیه ۱۹۸۱ بیان می‌دارد که: «... حق آزادی فکر و وجدان، مذهب یا عقیده، شامل حق ... تربیت، انتخاب و تعیین رهبران شایسته، مطابق با مقتضیات و قواعد و مذهب یا عقیده می‌شود.» گرچه این حق مورد شناسایی اسناد و نهادهای حقوق بشری قرار گرفته، اما در عمل توسط دولت‌ها همواره با تزییقاتی روبه‌رو بوده است. (حجتی، ۱۳۹۱: ۳۶-۳۷)

۳-۴. حق بهره‌مندی از پوشش مذهبی و حجاب

کمیته حقوق بشر در بند ۴ تفسیر عام شماره ۲۲، حق رعایت و اجرای مذهب را شامل استفاده از پوشش‌های خاص دانسته است. اعلامیه ۱۹۸۱ در مورد استفاده از



پوشش مذهبی سخن صریحی ندارد، اما می‌توان بند (ج) ماده ۶ اعلامیه فوق را شامل این حق دانست. بند (ج) اعلام می‌دارد: «ساختن، اکتساب و استفاده به میزان کافی از مواد و مطالب لازم برای انجام مراسم یا تشریفات دین یا عقیده.» (حجتی، ۱۳۹۱: ۳۹-۴۰)

هرچند پوشش موی سر زنان، سابقه تاریخی داشته و مربوط به اقوام و کشورهای مختلف است، اما پوشش زنان مسلمان چند دهه‌ای است که یک‌بار در کانون توجهات قرار گرفته است. گرچه نمادهای مذهبی زیادی چون عمامه سیک‌ها، عرق‌چین یهودیان و صلیب مسیحیان توجهات را به خود جلب می‌کند، اما بی‌تردید روسری زنان مسلمان (حجاب)، مهم‌ترین سمبل مذهبی است که بحث‌های فراوانی را در جهان غرب برانگیخته است. نکته قابل توجه این است که از ۱۶ مورد پرونده مطرح در دیوان اروپایی حقوق بشر در زمینه استفاده از نمادهای دینی (تا سال ۲۰۰۹)، ۱۳ مورد آن مربوط به روسری زنان مسلمان بوده و تنها سه پرونده دیگر، عمامه مردان سیک را بررسی کرده است. (شمسی، ۱۳۹۰: ۱۶۲)

۳-۵. حق اعیاد و تعطیلات مذهبی

از دیگر جلوه‌های حق آزادی مذهب، برخورداری از حق استراحت و مرخصی در ایام تعطیلات است. حق اعیاد، اوقات و تعطیلات و مراسم ویژه مذهبی، نه به‌طور مطلق، بلکه با توجه به امکان اجرای بدون تبعیض آن در شرایط کشورهای مربوط، از حقوق مذهبی پذیرفته شده است. بند (ح) ماده ۶ اعلامیه ۱۹۸۱ مجمع عمومی راجع به محو همه اشکال ناپردباری و تبعیض دینی، مقرر می‌سازد که: «حق بر آزادی فکر، وجدان، مذهب یا عقیده، شامل حق بر رعایت روزهای استراحت و برگزاری تعطیلات و اعیاد (مراسم) طبق دستورهای دینی و عقیدتی فرد می‌شود.»

کمیته حقوق بشر در بند ۴ تفسیر عام شماره ۲۲ بر این حق تأکید کرده که: «مفهوم آزادی عبادت شامل روزهای تعطیل و استراحت می‌شود.» حق آزادی دینی شامل حق رعایت



روزهای استراحت، برگزاری تعطیلات و اعیاد، طبق دستورهای دینی است که به معتقدان اجازه می‌دهد آداب و جشن‌های مذهبی که برای آن‌ها دارای مفاهیم روحانی ویژه‌ای است را برگزار کنند و اهل ادیان مختلف به این طریق به شناسایی بهتر یکدیگر و آداب و رسوم هم بپردازند و فرصتی نیز برای گفت‌وگوهای دینی باشد. (حجتی، ۱۳۹۱: ۳۸)

۳-۶. حق داشتن عبادتگاه و اماکن دینی

فارغ از ماده ۲۲ میثاق حقوق مدنی و سیاسی درخصوص تشکیل مجامع و نهادهای جمعی و نیز حق ابراز جمعی دین، بند الف و ب، در اعلامیه ۲۵ نوامبر ۱۹۸۱ مجمع عمومی نیز برای حق تأکید شده است. هم‌چنین بند ۴ قطع‌نامه ۲۰۰۵/۴۰ کمیسیون حقوق بشر بر این نکته تأکید کرده که دولت‌ها توان خویش را براساس قوانین داخلی و براساس حقوق بشر بین‌الملل به کارگیرند تا احترام این اماکن را تضمین کنند. حقوق بشر بین‌الملل حق بر تأسیس عبادتگاه‌ها، معابد، مراکز دینی و بهره‌گیری از آن‌ها را به‌طور گسترده‌تری مورد حمایت قرار می‌دهد و علاوه بر این که آن‌ها بخشی جدایی‌ناپذیر از حقوق مربوط و متعلق به اقلیت‌های دینی می‌داند، بخش مهمی از فرهنگ انسانی نیز محسوب می‌کند و برای حمایت و پاسداری از این حق، تعهداتی را به کشورها تحمیل می‌کند. (حجتی، ۱۳۸۲: ۳۷)

خلاءهای اعلامیه و اسناد بین‌المللی در برابر حقوق بین‌الملل اسلامی

باتوجه به مواردی که ذکر شد، عواملی سبب عدم ضمانت اجرای اعلامیه‌ها و اسناد بین‌المللی شده است. دو ضعف درخصوص توجه عملی نسبت به اقلیت‌ها در حقوق بین‌الملل وجود دارد که عبارتند از:

۱. نقص منشور در سطح سازمان ملل.

۲. محدودیت دولت‌ها.



جامعه ملل و سازمان ملل متحد در منشور خود، به‌طور صریح و آشکار، اصولی را به حقوق اقلیت‌ها اختصاص نداده است. موانع گوناگونی برای حمایت از اقلیت‌ها در سطح جهانی وجود دارد، مانند: «نبودن تعریفی منجز که شامل همه انواع اقلیت‌ها شود؛ دیگر آن که تصور می‌شود تدوین یک نظام ویژه حقوقی گروهی برای اقلیت‌ها، محدودیت‌هایی برای جنبه عام و فراگیر اعلامیه حقوق بشر ایجاد می‌کند یا این که ایجاد نظامی ویژه اقلیت‌ها، اصول دموکراتیک را به خطر می‌اندازد و سرانجام این که تدوین حقوق اقلیت‌ها به‌علت چندگونگی واقعیت‌های زندگی و خواست‌های آنان، غیرممکن است.» دولت‌ها با استفاده از سه اصل حاکمیت، یک‌پارچگی سرزمینی و استقلال و همچنین ماده ۲ منشور سازمان ملل متحد (درباره عدم مداخله در امور مربوط به صلاحیت ملی دولت‌ها)، ابزاری را به‌کار می‌گیرند تا حمایت بین‌المللی از اقلیت‌ها، محدود شود. (زارعی، زینی‌وند، محمدی، ۱۳۹۲: ۵۷)

هر جامعه ملی، نظام حقوقی و اجتماعی خاص خود را دارد. این نظام، براساس تعلقات تاریخی، فرهنگی و مذهبی خاص همان جامعه شکل گرفته و در چارچوب قوانین داخلی خود، ادامه حیات می‌دهد. از این رو مقاومت در برابر ظهور و بروز فرهنگ‌های بیگانه، طبیعی به‌نظر می‌رسد. چنانچه آداب و سنتی برخلاف نظم حقوقی یا عمومی و اخلاق حاکم بر جامعه به‌شمار آید، در جای خود می‌تواند محدودیتی بر سر راه رژیم حمایت از حقوق اقلیت‌ها باشد.

هم‌چنین تشدید و تهییج فرقه‌گرایی و ایجاد فرقه‌های نوظهور در مناطق حساس مانند خاورمیانه و آفریقا از جانب کشورهای غربی نیز از عوامل جدی عدم تمایل دولت‌ها در راستای قائل شدن حقوق بیشتر برای اقلیت‌ها است. این کشورها ابتدا به ایجاد فرقه‌ها یا تهییج فرقه‌گرایی در این کشورها اقدام می‌کنند و در گام بعد با طرح مبحث حقوق اقلیت‌ها که براساس مرور مختصری که انجام دادیم، وضعیت



آن‌ها در کشور خود آن‌ها هم معلوم نیست، قصد مخدوش کردن و ایجاد ناامنی و چنددستگی در این کشورها را دارند. (اخوان، ۱۳۹۵: ۵۷-۵۶)

در برابر نقص‌های جامعه ملل و سازمان ملل متحد و هم‌چنین قوانین دولت‌های غربی در توجه عملی به حقوق اقلیت‌ها، اسلام و فقهای اسلامی از بعد نظری، جایگاه قابل توجهی برای حقوق اقلیت‌ها اعم از قومی، زبانی و دینی قائلند. از نظر فقهای اسلامی، اقلیت‌های دینی هیچ محدودیتی در انجام شعایر دینی، حقوق و آزادی‌های خود ندارند. امام خمینی (ره) و بعضی فقهای متأخر اسلامی در متون و منابع دینی خود تلاش کرده‌اند این موضوع را به مردم بنمایانند که اقلیت‌ها در یک جامعه اسلامی، مانند مسلمانان از نظر حقوقی و سیاسی باتوجه به وزن اجتماعی خود می‌توانند از حقوق و آزادی و جایگاه سیاسی لازم برخوردار شوند. همان‌گونه که این موضوع در قانون اساسی کشورمان نیز گنجانده شده است. (زارعی، زینی‌وند، محمدی، ۱۳۹۲: ۶۷)

در ذیل، باتوجه به فرآیند تبعیض‌آمیز غیرقابل پذیرش در خصوص حقوق اقلیت‌ها در اسناد بین‌المللی و قوانین خاص دولت‌ها، پیشنهادهایی باتوجه به قوانین اسلامی ارائه می‌شود:

۱. همانند تبعیض نژادی و جنسیتی، تبعیض مذهبی نیز در هر کشوری غیرقانونی قلمداد شود.

۲. پلیس و دادگاه‌ها باید نسبت به جرایمی که به انگیزه‌های مذهبی انجام می‌شود، پاسخ‌گو بوده و تحقیق کنند.

۳. در بیشتر دانشگاه‌های اتحادیه اروپا، حوزه‌های دینی و مسیحی تأسیس شده‌اند تا از طریق کشیشان و روحانیون از کمک‌های مالی، آموزشی و دولتی برخوردار گردند، اما مسلمانان از این توجه بی‌بهره‌اند.

۴. راهنمایی‌های لازم به مدارس در راستای تأمین نیازهای فرهنگی و مذهبی دانش‌آموزان مسلمان بیشتر شود. در آموزش‌های مربوط به سطح عالی دانشگاهی نیز لازم است تا مبادله برنامه با کشورهای اسلامی انجام گیرد. (سرمدی، ۱۳۹۴: ۳۳۳-۳۳۴)



نتیجه‌گیری

موضوع اقلیت‌ها و حقوق مربوط به آن‌ها در اسناد بین‌المللی مانند اعلامیه رفع تمامی اشکال ناپردباری و تبعیض مبتنی بر مذهب و عقیده، کنوانسیون حقوق کودک، منشور ملل متحد، اعلامیه جهانی حقوق بشر، کنوانسیون پیش‌گیری و مجازات جنایت نسل‌کشی، کنوانسیون بین‌المللی حذف کلیه اشکال تبعیض نژادی، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی - سیاسی، اعلامیه حقوق اشخاص متعلق به اقلیت‌های ملی، قومی، دینی یا زبانی و... مورد توجه قرار گرفته و باتوجه به مبانی و اصول مندرج در این اسناد حقوقی، همه افراد بشر فارغ از توجه به جنسیت، مذهب، قومیت، اقلیت، فرهنگ، عقیده یا اندیشه، دارای اصالت، ارزش و شرافت هستند و دولت‌ها متعهدند به حقوق تمامی این اقشار توجه کنند و نسبت به هیچ اقلیتی تبعیض روا ندارند. در اسناد حقوق بشر، اقلیت‌های قومی و مذهبی، دارای حقوقی برابر با سایر افراد هستند و اصل آزادی در دکتترین حقوق بشر به آن‌ها اجازه فعالیت در حوزه‌های مختلف سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی را می‌دهد. برخی حقوق مشترک میان اقلیت‌های قومی و مذهبی در اسناد بین‌المللی حقوق بشر عبارتند از: «حق موجودیت، حق حفظ هویت، حق مصونیت از تبعیض، برابری با اکثریت، حق مدارا و تحمل، حق برقراری ارتباط با سایر اقلیت‌ها، حق تعیین سرنوشت و حق مشارکت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، داشتن احزاب و انجمن‌ها، تشکیل سندیکا، حق اشتغال و حق برخورداری از تأمین اجتماعی.»

درخصوص حقوق اقلیت‌های قومی نیز باید اشاره کرد که اسناد حقوق بشر به آن‌ها اجازه حق برخورداری از تحصیلات براساس ویژگی‌های اقلیتی، حق حفظ فرهنگ، حق استفاده از زبان مادری یا محلی، حق استفاده از نام‌های مناسب کودکان براساس فرهنگ و زندگی به شیوه خاص در محل سکونت و زادگاه خود را می‌دهد.



حقوق اقلیت‌های قومی - مذهبی در اسناد بین‌المللی حقوق بشر

در خصوص حقوق خاص اقلیت‌های مذهبی، اعلامیه و اسناد بین‌المللی حقوق بشر از سال ۱۹۴۵ تاکنون، حق‌هایی نظیر آزادی عقیده و مذهب، حق اجرای آداب و مناسک مذهبی، حق انتخاب رهبر دینی، حق بهره‌مندی از پوشش مذهبی و حجاب، حق اعیاد و تعطیلات مذهبی و حق داشتن عبادتگاه و اماکن دینی را به آنها می‌دهد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



منابع

فارسی

۱. ابراهیمیان، حجت‌الله (۱۳۹۱)، «حقوق خاص اقلیت‌های دینی در نظام سیاسی ایران با تأکید بر قانون اساسی»، فصل‌نامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال نهم، شماره ۲۹، تابستان.
۲. اخوان، بهار (۱۳۹۵)، «حقوق اقلیت‌ها در حقوق بین‌الملل و جمهوری اسلامی ایران»، پژوهش‌نامه حقوق بشری، شماره ۴.
۳. آریامنش، بشیر (۱۳۹۰)، «حقوق اقلیت‌ها از منظر قانون اساسی و موازین بین‌المللی»، تعالی حقوق، مهر، شماره ۱۳ و ۱۴.
۴. آلبوغیثش، حبیب (۱۳۸۶)، «حقوق بازتاب دهنده هویت اقلیت‌های قومی در اسناد بین‌المللی حقوق بشر»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور تهران.
۵. بهشتی‌زاد، یاسر (۱۳۹۷)، «حمایت متقابل دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی از اقلیت‌های قومی»، فصل‌نامه مطالعات علوم اجتماعی، دوره ۴، شماره ۱، بهار.
۶. پورقهرمانی گل‌تپه، بابک (۱۳۸۳)، «نگاهی به کنوانسیون حقوق کودک»، رواق اندیشه، شماره ۲۸.
۷. حجتی، مریم (۱۳۹۱)، «مبانی حقوقی و حمایت بین‌المللی از اقلیت‌های مذهبی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز واحد بین‌الملل.
۸. خلف‌رضایی، حسین و همکاران (۱۳۹۶)، «بررسی تطبیقی نسبت حق تعیین سرنوشت و حقوق اقلیت‌ها در حقوق بین‌الملل و نظام جمهوری اسلامی ایران»، مطالعات حقوق عمومی، دوره ۴۷، شماره ۳، پاییز.
۹. دانای طوس، عذرا (۱۳۹۰)، «بررسی حقوق اقلیت‌های قومی در نظام بین‌المللی حقوق بشر و چگونگی اعمال آن در قوانین موضوعه ایران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.



۱۰. دشتی، تقی (۱۳۹۰)، «مفهوم‌شناسی قومیت و اقلیت قومی به‌عنوان عنصری از جامعه سیاسی»، فصل‌نامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شهرضا، شماره نهم، زمستان.
۱۱. زارعی، بهادر و همکاران (۱۳۹۲)، «حقوق اقلیت‌ها از منظر اسناد بین‌المللی، اسلام و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، فصل‌نامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال سوم، شماره اول، بهار.
۱۲. زارعی، بهادر؛ زینی‌وند، علی؛ محمدی، کیمیا (۱۳۹۲)، «حقوق اقلیت‌ها از منظر اسناد بین‌المللی، اسلام و قانون اساسی ج.ا.ایران».
۱۳. زمانی، سیدقاسم (۱۳۸۴)، «حمایت از اقلیت‌ها در اسناد جهانی حقوق بشر»، حقوق و سیاست، شماره ۱۵.
۱۴. سرمندی، حمید (۱۳۹۴)، «بررسی حقوق اقلیت‌های مذهبی در حقوق بین‌الملل اسلامی و جایگاه آن در کشور ایران با رویکرد گفتمان عدالت»، همایش ملی گفتمان اعتدال، دانشگاه ایلام.
۱۵. سلیمی ترکمانی، حجت؛ جلیلی حاضر وظیفه قره‌باغ (۱۳۹۷)، «مطالعه تطبیقی جایگاه حقوق اقلیت‌ها در منشور شهروندی ایران و اعلامیه حقوق اقلیت‌های سازمان ملل متحد»، حقوق تطبیقی، تابستان، شماره ۱.
۱۶. سودمندی، عبدالمجید؛ شریفی طرازکوهی، حسین (۱۳۹۱)، «گستره حق آزادی دین و عقیده در اسناد بین‌المللی حقوق بشر»، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره ۱۶، شماره ۴، زمستان.
۱۷. سیف‌الدینی، سالار (۱۳۹۳)، «دستیاری ویژه اقوام ایرانی و اقلیت‌های دینی؛ چالش‌ها و فرصت‌ها»، شبکه مطالعات سیاست‌گذاری عمومی، شماره ۲۵، ۴۴۰۰۰۲۵، ۲۰ شهریور.
۱۸. شمس‌ی، احمدرضا (۱۳۹۰)، «تعهدات حقوقی بین‌المللی اروپا در خصوص آزادی حجاب»، فصل‌نامه سیاست خارجی، سال بیست و پنجم، شماره ۱، بهار.



۱۹. صفایی، سیدحسین (۱۳۷۰)، «حقوق بشر در اسلام و اعلامیه جهانی حقوق بشر»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۲۷، شماره پیاپی ۱۱۴۵، زمستان.
۲۰. عزیزی، ستار (۱۳۸۶)، «حمایت از حق موجودیت اقلیت‌ها در پرتو مجازات مرتکبان ژنوسید در رویه قضایی بین‌المللی»، فصل‌نامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۷، شماره ۴، زمستان.
۲۱. علی‌مردانی (۱۳۸۵)، «حقوق اقلیت‌ها در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، روزنامه قدس، نهم مهر.
۲۲. فتاحی، حسین (۱۳۸۶)، «بررسی اصل عدم تبعیض در خصوص اقلیت‌های قومی در میثاق‌های بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
۲۳. فرنگیس، منصوری (۱۳۹۲)، «بررسی حقوق اقلیت‌های دینی و نژادی در حکومت پیامبر اسلام (ص)»، مجله اندیشمندان حقوق، شماره ۶، زمستان.
۲۴. فضائلی، مصطفی و همکاران (۱۳۹۶)، «حمایت از اقلیت‌های مذهبی در نظام حقوقی اسلام و نظام بین‌المللی حقوق بشر»، فصل‌نامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، دوره ۴، شماره ۱، پیاپی ۱۱.
۲۵. لسانی، حسام‌الدین (۱۳۸۲)، «جایگاه اقلیت‌ها در حقوق بین‌المللی بشر»، اندیشه‌های حقوقی، سال اول، شماره ۳.
۲۶. مجبی، داود؛ طالب نجف‌آبادی، اعظم (۱۳۹۷)، «حق نمایندگی اقلیت‌ها در اسناد بین‌المللی و حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران»، پژوهش تطبیقی اسلام و غرب، سال پنجم، شماره چهارم، زمستان.
۲۷. میرمحمدی، سیدمصطفی (۱۳۸۵)، «حقوق بین‌الملل و حقوق اقلیت‌ها»، اندیشه تقریب، شماره ۹.



۲۵۸. نادرپور، بابک؛ مقصودی، مجتبی (۱۳۹۲)، «هویت‌ها، تفاوت‌ها و جهان‌شمولی حقوق بشر (با تأکید بر هویت‌های دینی و قومی ایران)»، حقوق بشر، سال هشتم، شماره ۱ و ۲ (پیاپی ۱۵ و ۱۶)، بهار تا تابستان.

۲۹. هیئت تحریریه (۱۳۸۲)، «اروپا و اقلیت‌های مسلمان»، پگاه حوزه، شماره ۱۲۲، اسفند.

انگلیسی

1. United Nations (2012), Promoting and Protecting Minority Rights: A Guide for Advocates, New York, United Nations High Commissioner for Human Rights.
2. Petricusic, Antonija (2005) "The Rights of Minorities in International Law", Croatian International Relations Review, Vol. XI., No. 38.
3. Gilbert, Geoff (1997), "Religious Minorities and Their Rights: A Problem of Approach", International Journal on Minority and Group Rights, Vol. 5, No. 2.
4. Ghanea, Nazila (2012), "Are Religious Minorities Really Minorities?", Oxford Journal of Law and Religion, Volume 1, Issue 1.

